

# انترناسیونال



## حزب کمونیست کارگری ایران

انترناسیونال شماره ۹۳۶  
جمعه ۱۲ شهریور ۱۴۰۰ - ۳ سپتامبر ۲۰۲۱

### کابینه دزدان، فاسدان و تروریستها!

محسن ابراهیمی

همه تلاششان این بود که تصویری بدهند که با رئیس جمهور کردن آیت الله قائل و کابینه ای یکدست گویی جمهوری اسلامی برای مملکت تخم دو زرده گذاشته است و همه چیز روبراه خواهد شد. حالا که کابینه یکدست است؛ حالا که مجلس با قوه قضاییه، هر دو با رئیس جمهور، و هر سه با ولی فقیه یکدست هستند، پس مردم میتوانند غرق در رنج و فلاکتشان منتظر معجزه حکومت یک دست باشند. ولی فقیه حتی سنگ تمام گذاشت و در اولین دیدارش با کابینه رئیسی، مشخصه های اصلی این کابینه را "مردمی بودن، عدالت ورزی و فساد ستیزی" اعلام کرد. همچنانکه انتظار می رفت، بنای این کابینه هم مثل کابینه های سلفش با دروغ و دغل و شیادی گذاشته شد.

#### یک بیوگرافی کوتاه!

غور و تفحص لازم نیست. این بیوگرافی کوتاه نشان میدهد چه خبر است.

- وزیر خارجه، از حلقه قاسم سلیمانی است که در دولت احمدی نژاد هم سفیر ایران در بحرین بود. برنامه اش چیست؟ "در غرب آسیا به دنبال نهادینه کردن دستاوردهای مقاومت" و "در شرق آسیا به دنبال تعامل با دستگاههای نوظهور اقتصادی". به زبان ساده یعنی ادامه خدمات به تروریسم اسلامی در عراق و سوریه و لبنان و یمن و در کنار

کابینه رئیسی برعکس، جمعی از تبهکاران شناخته شده هستند که چه به عنوان عضو و چه درموقعیتهای کلیدی کابینه های قبلی، نقش موثر در جنایت، فساد، دزدی و چپاول حاکم در کشور ایفا کرده اند. بخش مهمی از این کابینه در دولت احمدی نژاد وزیر بودند یا مقامات بالا داشتند. تعدادی تحت تعقیب بین المللی هستند. تعدادی هم بر اساس افشاگریهای

ادامه در صفحه ۲

کابینه دزدان، فاسدان و تروریستها!

#رئیس\_جلاد ۶۷

کمیته مرکزی حکومت را یکپارچه نخواهد کرد

جمعی از تبهکاران شناخته شده که چه به عنوان عضو و چه درموقعیتهای کلیدی کابینه های قبلی، نقش موثر در جنایت، فساد، دزدی و چپاول حاکم در کشور ایفا کرده اند.

### در این شماره انترناسیونال:

- شماره صفحه: ۳ و ۲، ۱ کابینه دزدان، فاسدان و تروریست ها! محسن ابراهیمی
- ۴ اکودک همسری یکی از سلسله جنایات حکومت اسلامی. عبدال گلپریان
- ۵ و ۶ کارزار های گسترده علیه حکومت به عنوان همدست کرونا. شهلا دانشفر
- ۷ نامه کنشگران مدنی به کمیسر عالی سازمان ملل: هشدار درباره کشتار کرونا در ایران
- ۸، ۹، ۱۰ و ۱۱ از فاجعه ۱۱ سپتامبر تا بازگشت طالبان. حمید تقوایی
- ۱۲ بیانیه شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران در دفاع از وکلای بازداشتی
- ۱۳ زنان علیه طالبان، گزارشی از دو کنفرانس
- ۱۴ و ۱۵ از مدیای اجتماعی حزب
- ۱۶ و ۱۷ گزارشات
- ۱۸، ۱۹ و ۲۰ اطلاعیه های حزب

# سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی

ادامه از صفحه ۱



محسن ابراهیمی

آن سواری دادن به چین و روسیه.

• وزیر کشور، نخستین فرمانده سپاه قدس و متهم به دست داشتن در انفجار آمیا (مرکز همیاری یهودیان در آرژانتین) که حکم جلب بین‌المللی‌اش از سوی پلیس بین‌الملل صادر شده است.

• وزیر اطلاعات، رئیس حفاظت اطلاعات قوه قضاییه در دولت حسن روحانی، مشاور عالی و رئیس حراست آستان قدس.

• وزیر اقتصاد، یکی از مخالفان سرسخت امضای FATF (گروه ویژه اقدام مالی علیه پولشویی در سطح جهان) یعنی مدافع سرسخت پولشویی برای ادامه خدمات مالی به دسته های تروریست اسلامی در منطقه. ایشان کتابی هم تحت عنوان "مدینه عادلانه: مقدمه‌ای بر نظریه عدالت اقتصادی در قرآن" تالیف کرده است که به اندازه کافی نشان می‌دهد چه گلی بر سر اقتصاد خواهد زد.

• رییس سازمان برنامه و بودجه، وزیر بازرگانی در دولت احمدی نژاد بوده و از متهمین فساد باند بابک زنجانی.

• وزیر نفت: معاون وزیر نفت احمدی نژاد و از مدیران بنیاد مستضعفان.

• وزیر راه و شهرسازی، وزیر نفت در دولت احمدی نژاد که به عنوان یکی از عوامل اصلی پرونده بابک زنجانی شناخته میشود.

• وزیر ارشاد، هم خط کیهان شریعتمداری که هنوز وارد دفترش نشده اهالی سینما و تئاتر و هنر را یکجا "کفار فرهنگی" نامید که مشغول ترویج "سبک زندگی غیر اسلامی" "انحراف، ابتدال و ترویج سکولاریزم" اعلام جرم کرد که البته پاسخ دندان شکنی از همین اهالی هنر تحویل گرفت. برای مثال اینها فقط گوشه هایی از پاسخها هستند:

• "آقای اسماعیلی، برنامه پیشنهادی شما را خواندم، کمی دیر آمدید، همفکرانان در این سالها آنقدر ما را خندانده اند که نه دیگر حوصله خندیدن به این شوخی های بی مزه شما را داریم نه اشکی برای ریختن به حال خودمان... راستی خبر

دارید دوستانتان وارد کابل شدند...؟؟؟ اینجا ایران است."

• "وزیر پیشنهادی چنین عقب‌مانده از قافله فرهنگ و هنر ندیده‌ام."

• "زمانی که ساز حمایت از طالب و طالبان در دیپلماسی ایران کوک می‌شود در دیپلماسی فرهنگی هم باید منتظر افرادی اندازه تو بود."

• "برنامه وزیر پیشنهادی ارشاد را خواندم؛ برنامه نیست، کیفرخواست عمومی و درخواست اشد مجازات علیه حوزه فرهنگ و هنر ایران است."

این پاسخ ها نشانه روشنی از بلوغ سیاسی جامعه است که می بینیم چگونه کیفرخواست یک وزیر حزب الهی فوراً به کیفرخواستی علیه خودش و کابینه اش تبدیل میشود. سالی که نکوست از بهارش پیداست. رفتار جناب وزیر با فرهنگ و هنر و پاسخ جانانه ای که دریافت کرد جلوه کوچکی از این حقیقت است که با حضور کابینه جدید، تحرک سیاسی علیه وضع موجود حدت و شدت بیشتری خواهد یافت.

### آرزوها، تناقض ها و معضلات!

نشاندن عضو هیئت مرگ بر تخت ریاست جمهوری و بعد پر کردن کابینه اش از میان اشخاص باند خامنه ای بخشا مربوط به انحصار قدرت و ثروت در رقابت میان باندهاست؛ اما فاکتور سیاسی مهم در این میان نگرانی از متزلزل شدن بیشتر موقعیت حکومت و چشم انداز تیره بقای سیاسی است. یک دلیل مهم شکاف درون حکومتی همیشه این بوده است که چگونه میتوان

از متزلزل شدن بیشتر موقعیت جمهوری اسلامی در میان مردم ممانعت کرد. پدیده اصلاح طلبان حکومتی در واقع برای پاسخ دادن به این معضل سیاسی شکل گرفت. مردم از روی اصلاح طلبان عبور کردند. خاصیتشان برای حفظ نظام از بین رفت. و امروز با قبضه قدرت توسط جناح دیگر و بیت رهبری تصور میکنند که ممکن است این اهداف متحقق شوند:

۱. با یک حکومت یکپارچه تر، حکومتی که سه قوه اش دست یک جناح است شاید بتوان موقعیت را در مقابل تحرک اعتراضی جامعه و جنبش سرنگونی تقویت کرد.

۲. با یک نرمش قهرمانانه دیگر که این بار قرار است مستقیماً توسط خود "هسته سخت قدرت" پیش برود، شاید بتوان به لغو تحریمها دست یافت و حجم عظیمی از منابع مالی بلوکه شده را آزاد کرد. چیزی که بشدت برای کمک مالی و لجستیکی به نیروهای اسلامی وابسته در منطقه ضروری است.

۳. مدتهاست که جنبش دادخواهی علیه کشتار زندانیان سیاسی مثل شمشیر داموکلس بالای سر کل حکومت آویزان شده است و هر چه زمان میگذرد خطر افتادش بر فرق حکومت بیشتر شده است. شاید رئیس جمهور شدن یک عضو هیئت مرگ، یک متهم به جنایت علیه بشریت بتواند از یکطرف آن جنایت و عاملینش را عادیسازی کند و از طرف دیگر جنبش دادخواهی را تضعیف کند. در این رابطه حکومت اسلامی روی برسمیت شناسی دیپلماتیک رئیسی توسط مخصوصاً دول غربی حساب باز کرده است.

کابینه رئیسی این حکومت را یکپارچه نخواهد کرد. برعکس، اختلافات و تنش های درون حکومتی این بار حتی با دوز و شدت بالاتری بروز خواهد کرد. سران حکومتی که یک در میان به

همدیگر هشدار میدهند که همه در یک کشتی هستیم و با هم غرق خواهیم شد، لاید می خواهند که قبل از غرق شدن کشتی و پیش از آنکه مجبور شوند برای فرار از کشتی پای هم را لگد کنند، تا میتوانند بچایند و غارت کنند. یقه دریدن بر سر قدرت و ثروت و چپاول بیشتر همچنان ادامه خواهد داشت.

کابینه رئیسی نمیتواند از موضع یک قدرت یک پارچه مناسبات جمهوری اسلامی با جهان را متعارف کند. به این دلیل که همه آن بنیادهایی که بنا بر آنها جمهوری اسلامی توانسته است به یک حکومت متعارف با مناسبات متعارف با جهان تبدیل شود سرجایشان هستند. حکومت اسلامی هم میخواهد "محور مقاومت" اش در "عمق استراتژیک" منطقه را حفظ کند که معنای عملیش حفظ و حتی تقویت باندهای تروریست اسلامی شیعی است و هم میخواهد از طریق برجام و دیپلماسی منابع مالی بلوکه شده را آزاد کند. اسلام رکن ایدئولوژیک و "محور مقاومت" با چسب ایدئولوژی اسلامی رکن سیاست خارجی این حکومت است. تناقض این رکن در این است که هم عقب کشیدن از آن و هم چسبیدن به آن هر دو به ضرر بقای سیاسی حکومت عمل میکند. این تناقض همزاد جمهوری اسلامی است و فقط با مرگ جمهوری اسلامی پایان خواهد یافت.

جنبش دادخواهی چطور؟ حکومت اسلامی این آرزو را به گور خواهد برد که با رئیس جمهور کردن عضو هیئت مرگ، مرگ هزاران زندانی را عادی سازی و جنبش دادخواهی مربوط به آن را تضعیف کند. تماماً برعکس است. مخصوصاً اینکه کشتار

ادامه از صفحه ۲

چشمها را به سمت هیولای اسلامی حاکم در ایران و رئیس جمهورش چرخانده است که رئیس حمید نوری بوده است و از او رسماً به عنوان "قصاب تهران" یاد میشود.

### اعترافات یک رهبر مفلوک آنهم در نقش "اپوزیسیون"!

ریزش از صف حکومتیها همیشه یک نشانه گویا از موقعیت متزلزل حکومت در جامعه و قدرت صف مقابل است. این ریزش به معنای پیوستن به جنبش سرنگونی نیست. برای تطهیر نقش و سهم خود در حکومتی است که فروپاشی اش در چشم انداز است. قیافه منتقد و اپوزیسیون گرفتن مقاماتی از حکومت اسلامی که هنوز سرنگون نشده است یکی از اشکال چنین ریزشی است. احمدی نژاد نمونه جالبی است.

سخنان خامنه ای در اولین دیدار با کابینه رئیسی در عین مضحک بودن نشانه وضع آشفته دولتی است که قرار است تجسم قدرت باشد. در این سخنان دیگر از شاخ و شانه کشیدن های قبلی خامنه ای خبری

نیست که مثلاً در سخنرانی نماز جمعه ۲۹ خرداد ۱۳۸۸ برای سرکوب خونین چراغ سبز داد. این بار او مثل رهبر مفلوکی ظاهر میشود که به خوبی معلوم است فریاد شعارهایی مثل "ننگ ما ننگ ما رهبر الدنگ ما" یا "خامنه ای حیا کن مملکتو رها کن" او را به این روز انداخته است. این بار او توصیه میکند دولت مردمی باشد، با مردم مشورت کند، اگر به قولش نتوانست عمل کند به مردم بگوید چرا و "عذرخواهی" کند!

نکته جالب تر این دیدار این است که او ظاهر "منتقد" به خودش میگردد. "افشاگری" میکند. "اپوزیسیون" میشود. طوری صحبت میکند که انگار مملکت دست کسان دیگری بوده و رهبر هم کس دیگری بوده است. برای مثال:

"در زمینه عدالت عقیم، یکی از بلاهای مهّتی که در کشور به وجود می آید که درست ضدّ عدالت است، وجود فساد، وجود ویژه خواری، وجود استفاده های سوء،

بر خورداری های بی مورد، بی جا و امثال اینها است؛ ... یک وقت عزیزهایی بی جهت، برخورداری های زیادی از امکانات کشور دارند؛ خب چرا؟ که بحث حقوقهای نجومی یک گوشه ای و یک بخش کوچکی از این مسئله بود ..."

"... یارانه های پنهان نفت در سال ۹۹، حدود ۶۳ میلیارد دلار است! که خب اصلاً این رقم و این یارانه به چه کسی میرسد؟ ... جمع مهّتی از مردم اصلاً از این یارانه هیچ استفاده نمیکنند!"

رهبر خودش جواب "افشاگری" اش را هم داده است. این "یارانه ها" به همان "عزیزهایی" میرسد که نام دیگرشان "آیت الله های میلیاردی، برادران قاچاقچی، سلاطین آهن و شکر و ارز و اختلاسگران نجومی و آقازاده هاست". به همان هایی میرسد که دزدی

هایشان را زیر عبای رهبر سازمان داده اند. هر وقت هم این دزدیها برملا شده است با "کش ندهید" خود خامنه ای "عائله" پایان یافته است!

### انزوای سیاسی و خودفریبی ابلهانه!

"اعتماد مردم یک مقداری آسیب دیده. این اعتماد باید ترمیم و احیا شود."

این سخنان خامنه ای در دیدار با کابینه رئیسی، از یکطرف اعتراف او به مطرود و منفور بودن حکومت و شخص خودش در میان مردم است. از طرف دیگر خودفریبی ابلهانه ای است که گویا دزدان کارگشته و سابقه دار و منفوری که در کابینه رئیسی جمع شده اند میتوانند اعتماد برای حکومت کسب کنند!

اما چرا خودفریبی؟ به این دلیل ساده که رهبر دارد از جانب مردمی که او را "رهبر الدنگ" خطاب میکنند شهادت کم فروشی میکند. "اعتماد مردم یک مقداری" آسیب ندیده است. مردم نه تنها هیچ اعتمادی به هیچ مقام و هیچ جناحی از این حکومت مخصوصاً شخص

خامنه ای ندارند بلکه به هزار زبان اعلام کرده اند از این حکومت بیزار و منزجرند و این حکومت را نمیخواهند. مهمتر از همه مردم در صدها شهر و هزاران خیابان با فریاد "جمهوری اسلامی نابود باید گردد"، برای پایین کشیدن این حکومت دست به عمل زده اند.

جامعه ایران شاهد یک نبرد طبقاتی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است که در آن میلیونها کارگر معترض، جمعیت عظیمی از زنان و جوانان پیشرو، جنبش عظیم دادخواهی و کلا یک جامعه معترض در مقابل طبقه سرمایه دار میلیاردی و حکومت اسلامی پاسدارش صف آرایی کرده اند. جمهوری اسلامی را نه یک شهاد امنیتی مثل روحانی مورد علاقه اصلاح طلبان، نه اصولگرای عضو "هیئت مرگ" مثل رئیسی نمیتوانند نجات دهند. ایران در آستانه تکانهای عظیم سیاسی و اجتماعی است. وضع مفلوک "رهبر الدنگ" نشانه ای جدی از چنین آینده ای است.

ماهواره یاه ست

فرکانس: ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

اف ای سی: ۷/۸

ماهواره یوتلست

فرکانس: ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

اف ای سی: ۵/۶

KANAL KANAL  
کانال جدید

پخش زنده

[www.newchannel.tv/live/tv](http://www.newchannel.tv/live/tv)

فرکانس های

تلویزیون کانال جدید

در ماهواره های:

[www.newchannel.tv](http://www.newchannel.tv)  
[nctv.tamas@gmail.com](mailto:nctv.tamas@gmail.com)

## کودک همسری یکی از سلسله جنایات حکومت اسلامی



عبدل گلپریان

محمود عباسی، دانشیار دانشگاه شهید بهشتی تهران و معاون حقوق بشر وزیر دادگستری روز یکشنبه ۷ شهریور در مصاحبه‌ای با خبرنگاری ایسنا دو دلیل اصلی کودک همسری را "فقر فرهنگی" و "فقر اقتصادی" خواند. او گفت به خاطر "فقر سیاه اقتصادی" خانواده‌هایی هستند که حتی در ازای یک میلیون تومان کودکان خود را به همسری می‌دهند.

او آمار رسمی را تنها بیانگر ازدواج‌های به ثبت رسیده خواند و گفت نرخ واقعی کودک همسری بسیار بالاتر از نرخ رسمی است.

اینها اظهارات یکی از مقامات بالای حکومت اسلامی است. به فقر فرهنگی و فقر اقتصادی اشاره کرده است که هر دو مورد آن از سوی حکومت متبوع او بر جامعه و بر کودکان اعمال می‌شود. اما فراتر از این دو عامل هیچ یک از مقامات و کاربدستان حکومت در مورد قوانین اسلامی حاکم بر زندگی و سرنویشت کودکان کلمه‌ای بر زبان نمی‌آورند. طبق ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی "عقد نکاح دختر پیش از رسیدن به سن ۱۳ سال تمام شمسی و پسر، پیش از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام شمسی منوط به اذن ولی به شرط رعایت مصلحت با تشخیص دادگاه صالح است".

اعمال همین ماده قانونی در طول دوران حاکمیت اسلامی یعنی تباه شدن زندگی و آینده کودکانی که بر بستر فقر اقتصادی کودک همسری را به آنان تحمیل می‌کند. عوارض ناشی از کودک همسری یعنی ایجاد شرایطی بر مراتب

و حشتناک تر برای کودکان. این عوارض می‌تواند شامل لطمات جسمی نه تنها به کودکی که در سن پایین ازدواج به او تحمیل شده است بلکه لطمات جبران ناپذیری بر فکر و روان او وارد می‌سازد و همچون کابوسی وحشتناک تا زمانی که زنده است دست از سر او بر نخواهد داشت. جدای از این، بسیاری از این کودکان در جریان زایمان جان خود را از دست می‌دهند که نمی‌توان اسمی بجز قتل عمد یک کودک اسم دیگری بر آن نهاد.

در بخش دیگری از مصاحبه ایسنا معاون حقوق بشر وزیر دادگستری به پرسشی اشاره می‌کند که در سفرش به عنوان رئیس هیئت ایرانی به کمیته حقوق کودک سازمان ملل برای گزارش پنج ساله جمهوری اسلامی به این سازمان از او مطرح شده. او می‌گوید: "در این سفر به عنوان نماینده ایران به خاطر «اثر وضعی» ازدواج‌های زودهنگام مورد انتقاد قرار گرفته است چرا که با وجود جرم‌انگاری و مجازات عاملان از جمله والدین و دفترخانه، ازدواج به قوت خود باقی می‌ماند."

جالب توجه تر این است که او برای تداوم بخشیدن به همین فاجعه کودک همسری، نهادها و عناصر فقهی را برای درمان این معضل اجتماعی خاطر نشان می‌سازد. یعنی

همان عناصر و نهادهایی از شبکه ارتجاع اسلامی که تجاوز به حقوق کودک را بر اساس همان قوانین اسلامی نهادینه کرده و روزگار کودکان و نوجوانان را تباہ کرده اند.

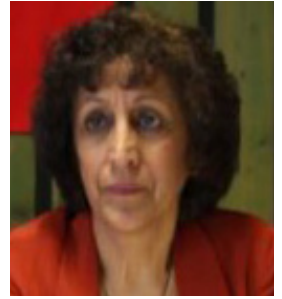
او در بخش دیگری از سخنانش می‌گوید: "در تلاش برای رسیدن به این هدف (ممنوعیت ازدواج دختران زیر ۱۶ و پسران زیر ۱۸ سال)، سال ۹۷ با طرح "ممنوعیت کودک همسری" تلاش‌هایی در مجلس دهم برای این موضوع صورت گرفت که با مخالفت منتقدان روبرو شد و با بهانه بررسی بیشتر به هیچ سرانجامی نرسید."

پیدا است که در ساختار حکومت و مجلس اسلامی، ارائه چنین طرح‌هایی چیزی جز فیگور اسلامی در مقابل نهادهای بین المللی حقوق بشری نیست. بعضا در بهترین حالت بر اثر فشار و اعتراض و ناراضیاتی عمومی در جامعه است که چنین طرح‌هایی روی میز مفت خوران اسلامی در مجلس قرار می‌گیرد. و اگر به سرانجامی نمی‌رسد و قرار هم نیست که به سرانجامی برسد، به دلیل وجود لشکری از کپک

زده ترین نمایندگان حکومت اسلامی مرکب از مرتجع ترین و ضد کودک ترین عناصر، از آیت الله های مفت خور گرفته تا فقهایی است که هر یک بر اساس سنت پدوفیلی پیامبرشان چهار زن و بیشتر را بعنوان برده بر اساس همان قوانین اسلامی به اسارت در آورده اند.

با توجه به آنچه که اشاره شد خزعبلات معاون وزیر در خصوص کودک همسری را حتی نمی‌توان به عنوان توجیه محسوب کرد. ضدیت با کودک، نهادینه کردن کودک همسری، درجه دوم شمردن زن، رواج چند همسری و هر آنچه که در ضدیت با زن و کودک در حکومت اسلامی مرسوم است تماما در ذات این نظام و قوانینش نهفته است. تنها با سرنگون کردن حکومت اسلامی توسط مردم انقلابی و متنفر از این نظام و جایگزینی یک ساختار برابر و انسانی است که پدیده کودک همسری به زیاله دان ریخته خواهد شد. و کودکان از یک زندگی شاد، ایمن و خلاق بهره مند خواهد شد.

## کارزارهای گسترده علیه حکومت بعنوان همدست کرونا



شهلا دانشفر

همگانی و عدم پیشگیری از شیوع و گسترش آن از همان روز آغاز است.

در راس هرم این کشتار جمعی خامنه ای قرار دارد که با تئوری توطئه آمریکا، استراتژی ایمنی گله ای را در دستور قرارداد و نتیجه مستقیم این سیاست کشتار عمومی مردم بود. بر اساس همین سیاست اول ادعا کردند که توان تولید واکسن در کشور را حتی بیش از نیاز مصرف داخلی دارند. بعد خامنه ای فتوا داد و رسماً واردات واکسن از آمریکا و انگلستان را ممنوع اعلام کرد. رئیس، به عنوان رئیس قوه قضائیه گفتاروی را حکیمانه خواند، روحانی رئیس جمهور و نمکی وزیر بهداشت هم دستور او را نصب العین قراردادند و تبلیغات اندر وصف مضرات واکسن های خارجی بالا گرفت و بدین ترتیب مقامات حکومتی از وزیر بهداشت گرفته تا شماری از نمایندگان مجلس نیز هر کدام در جایگاهی روند ممانعت از ورود واکسن را دامن زدند و این ممنوعیت به بهای از دست رفتن جان بسیاری از مردم تمام شد و کشتاری عمومی به راه افتاد.

بر محور این سیاست از همان آغاز حقایق را کتمان کردند، دروغ گفتند و اخبار مرگ و میر بر اثر کرونا را لاپوشانی کردند. به جای درمان کرونا و پیشگیری از شیوع آن مردم را به "طلب شفا از خدا" و "خواندن دعای صحیفه

سجادیه" و خرافه طب سنتی حواله دادند. در کنار این سیاست صنعت پر رونق کرونا را به راه انداختند. با نرخ های نجومی بر هزینه های آزمایش های تشخیصی و درمانی و داروهای ضد ویروسی افزودند و تعداد مراکز آزمایشگاهی دولتی و ارزان را محدود کردند و صف های طویل برای انجام آزمایشات و برای درمان را باعث شدند و هر روز مردم بیشتری را به کام این

بیماری مهلک رها کردند. بعلاوه در حالیکه خبری از درمان رایگان در سطح جامعه نیست، مردم را حتی از استفاده از همان حداقل بیمه های اجتماعی محروم کردند و با پایین آوردن بیشتر سطح آن بازار سیاه را داغتر کردند و در این میان صنعت کرونا را گسترش داده و به قیمت گرفتن جان انسانها پولهای کلان به جیب زدند.

در این اوضاع اسفناک خبری از اجرای قرنطینه نبود و خبری از پرداخت بیمه بیکاری و حقوق ایام مرخصی بخاطر تعطیلی کار در ایام بحرانی کرونا نبود و نیست. مردم محروم از هر گونه تأمینی ناگزیر به انتخاب بین گرسنگی و کرونا شده و برای زنده ماندن و تهیه لقمه نانی ناچار به کار شدند. در محیط های کار و اماکن عمومی در سطح جامعه نیز هیچکدام از پروتکل های سازمان بهداشت جهانی برای حفظ جان مردم در برابر بیماری کرونا و شیوع آن اجرایی نشد. از جمله با محدود کردن شیفت های حمل و نقل عمومی و تراکم جمعیت مردم در ایستگاهها و اتوبوسها خطر شیوع بیماری هر روز بیشتر و بیشتر شد. در زندان نیز کرونا خطری جدی برای جان زندانیان شد و حتی از وجود آن سعی کردند به عنوان اهرم فشار و تهدید به مرگ زندانیان و خانواده های ایشان استفاده کنند. آخرین شاهکارشان نیز برپایی مراسم مذهبی و از جمله دعوت مردم به شرکت در مراسم محرم بود.

این چنین بود که صنعت کرونا شکل گرفت و هر روز پر رونق تر شد. برای مثال منابع مالی ای که می بایست صرف قرنطینه و اقدامات پیشگیرانه از کرونا شود، به توزیع رانت میان قرارگاه های بسیج تحت عنوان برنامه های جهادی مقابله با کرونا و یکسری

اقدامات نمایشی شد و بازاری جدید برای دزدیها و اختلاسهای دارودسته های مختلف حکومتی شکل گرفت. یک قلم از دزدی هایشان بازگذاشتن دست شرکت های خصوصی برای ایجاد بازار سیاه فروش واکسن حتی تا چند میلیون بود. گرفتن ودیعه و پیش پرداخت های نجومی برای قرار دادن نام بیماران در لیست بستری ها و پرکردن تخت های گران قیمت آی سی یو نمونه هایی از این جیب بری ها و نمونه هایی از این زد و بندها و چپاولگریها بود. نمونه کلانترش بستن قرارداد با شرکت هایی مثل بنیاد برکت برای ساختن واکسن غیر استاندارد ایرانی و تولید واردات داروهای ضد ویروسی ای بود که برای بیماران حاد کرونایی تجویز می شود و یک سر این بنیاد به "ستاد اجرایی فرمان امام" وصل بود. نمونه ای از این داروها رمدسیویر است که برای تهیه آن بیماران پشت در بیمارستانها صفها کشیدند و قیمت آن در بازار سیاه به ده برابر رسید و مردم برای نجات جانشان و کاستن درد جانکاه بیمارشان ناگزیر به تن دادن به خرید آن بودند. طی بر آوردی و به گفته علیرضا زالی از خودی هایشان هزینه ای که از جانب حکومت و باند مافیایی آن صرف خرید این دارو ها شد، میتوانست کفاف تهیه دو دوز واکسن برای همه مردم را بدهد تا جلوی شیوع بیماری گرفته شود. بدین ترتیب در این دزد بازار به اشکال مختلف مردم را سر کیسه کردند. و در آن همه بخش های حکومت و باندهای مافیایی اش دست داشتند.

### کشتار جمعی کرونا و محاکمه خامنه ای و سران حکومت

امروز یک خواست مهم و گسترده بخشهای مختلف کارگران و مردم واکسیناسیون رایگان و

سریع همه مردم است. خرید واکسن و واکسیناسیون رایگان و همگانی به یک کارزار مهم بخش های مختلف کارگری و مردم معترض در دو ساله اخیر تبدیل گردیده است. دهها هزار کار اعتصابی نفت و کارگران نیشکر هفت تپه و بازنشستگان و معلمان و بخش های مختلف جامعه با بیانیه هایشان و در تجمعاتشان بر این خواست تاکید کردند. زیر فشار این اعتراضات، آنها بعد از گذشت نزدیک به دو سال اکنون در جاهایی از جمله در بخش هایی از مراکز نفتی و یا نیشکر هفت تپه قول اجرایی کردن واکسیناسیون داده شده است. اما امروز مردم نه تنها بر واکسیناسیون رایگان و همگانی به عنوان اولین مطالبه خود تاکید دارند، بلکه داخواهند و بخاطر کشتار جمعی عزیزانشان با کیفرخواست جلو آمده و پاسخ میخواهند. یک مثال حرکتی است که با طرح شکایت شماری از وکلا از شخص خامنه ای به خاطر ممانعت از واکسیناسیون مردم و کشتار جمعی ای که به راه افتاده شروع شد. علت این دستگیریها تصمیم این وکلا برای ثبت شکایت رسمی علیه مسئولان و مقامات حکومتی به دلیل مدیریت فاجعه بار کرونا عنوان شده است. اما این دستگیریها با موجی از اعتراض اجتماعی و همبستگی با وکلای دستگیر شده روبرو شدو مردم شکایت وکلا را فریاد اعتراض خود دانسته و به حمایت از آنان برخاستند. از جمله بیش از ۵۰ وکیل دادگستری بازداشت "وکلائی دادخواه" را محکوم کرده و خواستار برخورد و تحت تعقیب قراردادن "خاطیان" شدند. در ادامه در متن حمایت از وکلای بازداشتی جنبش برای به محاکمه کشیدن سران حکومت و کشتار جمعی مردم در چنگ کرونا شکل عیان تر و گسترده



## نامه کنشگران مدنی به کمیسر عالی سازمان ملل: هشدار درباره کشتار کرونا در ایران

خانم «میشل باشله» کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل

با سلام و احترام؛

آمار مبتلایان به کرونا طی هفته‌های اخیر افزایش یافته و طی آمار رسمی اعلام شده توسط حکومت، آمار کشته‌شدگان به بیش از ۷۰۰ نفر در روز رسیده است. طی ۱۰ روز گذشته شاهد بودیم مراسم مذهبی بدون رعایت پروتکل‌های بهداشتی در سراسر کشور برگزار شده پیش‌بینی می‌شود طی هفته‌های آینده شاهد جهش قابل توجه آمار مبتلایان و کشته‌شدگان باشیم.

از آغازین روزهای شیوع کرونا سیاستی که از سوی حکومت ایران و رهبر نظام و سایر مسئولان حکومتی در پیش گرفته شد، مرحله به مرحله شرایط هولناک کنونی را رقم زد. متأسفانه اعلام منع ورود واکسن از آمریکا و انگلیس از سوی رهبر نظام در تاریخ ۱۹ دی‌ماه ۱۳۹۹ موجب شد تا به جای پیروی از سیاست جهانی کنترل کرونا از طریق واکسن و مرگ و میر در سایر کشورها، به همه‌گیری و گسترش این بیماری در ایران و افزایش مرگ و میر دامن زده شود.

عدم وجود تجهیزات و امکانات و توانایی لازم برای تولید واکسن داخلی و ادعای مسئولان بر خودکفایی در تولید واکسن و ممانعت از ورود واکسن معتبر جهانی در فرصت ضروری، مردم ایران را در مقابل شیوع و گسترش این ویروس کشنده، بی‌پناه کرده است.

اظهارات غیرمسئولانه، کذب و فریبکارانه بخش مهمی از مسئولان در این رابطه از جمله دلایل قصور و بی‌کفایتی آنها در مهار شیوع کرونا و افزایش مرگ و میر در ایران است. چنانچه برخی از این اظهارات از سوی کواکس کذب خوانده شده است. برای مثال زمانی که آقای عبدالناصر همتی، رئیس کل بانک مرکزی، دلیل عدم ورود واکسن را تحریم اعلام کرد، کواکس رسماً اعلام کرد که هیچ منع قانونی و حقوقی برای ورود واکسن به ایران وجود ندارد.

ما امضاکنندگان این نامه اعلام می‌کنیم که آمار اعلام‌شده کشته‌شدگان بر اثر ابتلا به کرونا از سوی حکومت صحیح نمی‌باشد. این نکته را آقای زالی رئیس ستاد کرونا در تهران نیز اعلام کرده است. این قبیل اقدامات حکومت در راستای فریب نهادهای بین‌المللی و افکار عمومی بوده و متأسفانه یک فاجعه ملی در ایران را رقم می‌زند. همچنین اعلام می‌داریم علی‌رغم کشته شدن صدها هزار تن از هموطنان عزیزمان شاهد هستیم که همچنان واکسیناسیون مورد نیاز مردم صورت نمی‌گیرد و سیاستی جهت کنترل و مهار کرونا اتخاذ نمی‌گردد، بلکه سیاستی چون برپایی مراسم گسترده مذهبی بدون رعایت پروتکل‌های بهداشتی به شدت دنبال می‌شود.

بنابراین بر اساس سیاست‌های نظام جمهوری اسلامی در امر کرونا و اعلام منع ورود واکسن کرونا توسط رهبر حکومت نه تنها اقدامات لازم و کافی برای مهار کرونا صورت نگرفته، بلکه با بی‌توجهی به امر واکسیناسیون و ترویج مراسم گسترده و جمعی مذهبی، سیاسی برای ابتلا و کشتار بیشتر مردم ندارک دیده می‌شود. ما بر این باوریم که سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی می‌بایست در اسرع وقت در امور کنترل و مهار شیوع کرونا در ایران از جمله الزام ورود واکسن به میزان لازم و انجام واکسیناسیون تک تک ایرانیان اقدام جدی نمایند، در غیر این صورت ما در معرض یک مرگ هولناک جمعی در ایران خواهیم بود.

امضا: شهناز اکملی (مادر دادخواه)، اسماعیل بخشی (فعال صنفی کارگری)، جعفر پناهی (کارگردان)، محمد حبیبی (فعال صنفی معلمان)، محمد رسول‌اف (کارگردان)، محمد سیف‌زاده (وکیل مدافع حقوق بشر)، جعفر عظیم‌زاده (فعال صنفی کارگری)، اکرم نقابی (مادر دادخواه)، محمد نوریزاد (مستندساز)، نرگس محمدی (مدافع حقوق بشر)

رونوشت به: - آقای پیتر مائوره، رئیس کمیته بین‌المللی صلیب سرخ - دکتر تدروس آدهانام، دبیرکل سازمان بهداشت جهانی - دکتر کریستوس کریستو، رئیس پزشکان بدون مرز بین‌المللی

۲۸ آگوست ۲۰۲۱

## از فاجعه ۱۱ سپتامبر تا بازگشت طالبان

این نوشته بر مبنای مصاحبه با حمید تقوایی در تلویزیون کانال جدید تدوین شده است



**خلیل کیوان:** در آستانه بیستمین سالگرد فاجعه ۱۱ سپتامبر هستیم. واقعه ای که با پیامدهای جهانی همراه بود. القاعده به برج های دوقلو در نیویورک حمله کرد. هزاران نفر از مردم بیگناه آمریکا بکام مرگ کشیده شدند. جهان در شوک فرو رفت. این واقعه سرآغاز تحولات بزرگی در سیاست خارجی آمریکا و متحدین آن شد. رویکرد آمریکا مبنی بر جنگ با تروریسم ابعاد تازه ای یافت. آمریکا به طالبان هشدار داد سران القاعده را که در آن کشور پناه گرفته بودند تحویل دهد. طالبان سرباز زد. آمریکا علیه مخلوق خود طالبان، وارد جنگ شد و آن را ساقط کرد و به مدت ۲۰ سال در آن کشور باقی ماند. در فوریه سال قبل آمریکا و طالبان پیمان صلح دوحه را امضا کردند. و دیدیم که چگونه در میان بهت و ناباوری مردم دنیا آمریکا مجدداً این گروه دست ساز خود را به سرعتی غیر قابل باور بقدرت برگرداند. بار دیگر جهان در شوک فرورفت. درباره زمینه ها و دلایل افت و خیزهای سیاست آمریکا با حمید تقوایی گفتگو میکنیم.

هیلاری کلینتون صریحاً میگوید ما (یعنی آمریکا) طالبان را در مقابل شوروی درست کردیم و بقدرت رساندیم و بعد در مقابل خودمان قرار گرفت. چه زمینه ها و دلایلی باعث شد که آمریکا طالبان را خلق کند، به قدرت برساند و بعد آنرا ساقط کند و مجدداً به قدرت برگرداند. این پارادوکس را چطور میتوان توضیح داد؟

**حمید تقوایی:** این تحولات متعلق به دو دوره مختلف است. دوره ای که دولت آمریکا مجاهدین افغانستان را، که بعداً طالبان از آن نشأت گرفت، ایجاد کرد و سازمان داد، اواخر دوره جنگ سرد بود و دولت آمریکا به نیابت کمپ غرب برای مقابله با شوروی که در آن زمان در افغانستان حضور سیاسی و نظامی داشت راه حل را این دید که نیروهای اسلامی را تقویت کند و با اسلحه مذهب به جنگ

تازه ای یافتند. بعد از شوروی غرب کوشید از این نیروها بعنوان کیسه بوکسی برای اعمال قدر قدرتی خود در دوره پسا جنگ سرد استفاده کند. این مبنای جنگ بین تروریسم اسلامی و تروریسم دولتی غرب بود.

مشخصاً برای نیروهای اسلام سیاسی، هم از نظر ایدئولوژیک و هم از نقطه نظر استراتژی سیاسی غرب ستیزی امر هویتی محسوب میشد، و برای کمپ غرب و در راس آنها هیات حاکمه آمریکا تقابل با این نیرو زمینه سیاسی توجیه و تثبیت موقعیت خود بعنوان یگانه ابر قدرت جهان یک قطبی پسا شوروی فراهم میکرد.

حمله القاعده به برجهای دوقلو نیویورک نقطه اوجی در این تقابل بود. تهاجم نظامی دولت آمریکا و متحدینش به افغانستان و بدنبال آن به عراق نه صرفاً بخاطر انتقام جویی از عاملین فاجعه ۱۱ سپتامبر، بلکه بخاطر قدرتمانی نظامی آمریکا بعنوان ژاندارم "نظم نوین جهانی" صورت گرفت. و این ادامه سیاستی بود که بوش پدر با جنگ خلیج کلید آنرا زده بود.

ازینرو باید گفت حمله آمریکا به افغانستان وساقط کردن طالبان به این دلیل نبود که آمریکا کلاً از توسل و اتکا به نیروهای اسلامی در سیاست خاورمیانه ای اش دست شسته بود، بلکه هدفش اساساً قدرتمانی در دنیای بعد از جنگ سرد بود. میخواست عضله نظامی خودش را به رخ جهان بکشد و به تنها ابرقدرت و ژاندارم بلامنازع در سطح خاورمیانه و کلاً در دنیا تبدیل شود. در این تقابل آمریکا اروپا را در واقع بدنبال خود کشید. هم در حمله به افغانستان و هم در حمله به عراق، مانند جنگ خلیج در یک دهه قبل از آن، دولت آمریکا تمکین و تبعیت دول اروپائی را با خود داشت و نه همنظری و

اکنون با مقابله با آمریکا و کلاً غرب به خود موضوعیت و معنی سیاسی میدادند.

تا آنجا که به ایران برمیگردد خمینی پروپاگاندای ضد آمریکائی و مرگ بر شیطان بزرگ و تسخیر سفارت آمریکا و غیره را بعنوان اسلحه ای برای سرکوب انقلاب و انقلابیون بکار گرفت. به بهانه تقابل با شیطان بزرگ شمشیر را از رو بست و دیدیم که در دهه شصت چه فاجعه ای آفرید و به چه کشتاری از انقلابیون دست زد.

در رابطه با افغانستان هم بعد از خروج شوروی نیروهای اسلامی میداندار شدند. و روشن بود که چنین خواهد شد. نمیتوان یک نیروی سیاسی - نظامی را ساخته و پرداخته کرد و در جنگ با رقیب بعنوان یک ابزار بکار گرفت و بعد از پیروزی او را بخانه فرستاد. طالبان در صحنه سیاسی باقی ماند و پس از یک دوره کشمکش خونین با دیگر دار و دسته های اسلامی، قدرت سیاسی را در دست گرفت. و غرب هم مساله چندانی با آن نداشت. ولی بر متن این شرایط شاخه های دیگر اسلام سیاسی مثل القاعده و بوکوحرام در شمال آفریقا و بویژه نیروهای سنی و شیعه در عراق بعد از صدام شکل گرفتند که صریحاً و علناً از یک زاویه کاملاً ارتجاعی و ضدیت با فرهنگ با تمدن پیشرفته غربی علیه آمریکا و دولتهای غربی بودند.

در سیاستهای پسا جنگ سردی غرب این نیروها جایگاه

آمریکا و غرب محسوب میشد. به همین دلیل دولتهای آمریکا، انگلیس، فرانسه و آلمان غربی در ژانویه ۷۹ در کنفرانسی که در گوادلوپ تشکیل شد تصمیم گرفتند که نیروی بغیت ارتجاعی در اپوزیسیون شاه، یعنی خمینی و اسلام نوع خمینی را لانس کنند و بجای برانند. این هم نمونه و شاخه دیگری بود از توسل کمپ غرب به نیروهای اسلامی در برابر "خطر" چپ.

این دو اتفاق هر دو در دوره اواخر جنگ سرد رخ میدهد. اما بعد از فروپاشی شوروی، تقابل میان کمپ شرق و غربی هم به پایان رسید و نیروهای اسلامی ای که در دل این تقابل موضوعیت و موجودیت یافته بودند ارزش مصرف ابزاری شان را برای دول غربی از دست دادند. اما از صحنه حذف نشدند. حتی فروپاشی شوروی شرایط مساعد تازه ای برای رشد این نیروها فراهم آورد.

بعد از به هم خوردن نظم دوران جنگ سرد در دنیا و بخصوص در خاورمیانه، که همیشه محل بحرانها و رقابتهای بین کمپ شرق و غرب بود، نوعی فضای باز سیاسی برای بورژوازی منطقه و دولتها و نیروهای ارتجاعی محلی باز شد که نیروهای اسلامی یکی از بازیگران اصلی آن بودند دقیقاً بخاطر اینکه در دوره قبل بوسیله آمریکا در مقابله با شوروی و کلا کمونیسم و خطر چپ به جلو رانده شده بودند. و حالا مدال پیروزی را به سینه زده بودند. این نیروها

شوروی برود. و بقول هیلاری کلینتون در این امر هم موفق شد. اگرچه خود شوروی بدلیل پایه ای تری دوران افولش را میگذراند و جنگ افغانستان تأثیر چندانی بر اضمحلال بلوک شرق نداشت ولی در حال تا آنجا که به حضورش در افغانستان مربوط میشد نیروهای اسلامی و مجاهدین، که با طراحی پنتاگون و سیا و با پول و اسلحه و حتی مستشاران و کمک سیاسی نظامی مستقیم دولت آمریکا ساخته شده بودند، بعنوان نیروی پیروز بر شوروی قد علم کردند. به این ترتیب استراتژی که هیلاری کلینتون به آن اشاره میکند به نتیجه رسید. او میگوید علیرغم اینکه بعد از ختم جنگ سرد نیروهای اسلامی علیه خود ما برگشتند سیاست ما درست بود چون شوروی را از میدان بدر کرد.

این علت و زمینه روی کار آوردن اسلامی ها در آن دوره بود. این امر از همان سیاست و جهتگیری ای ناشی میشد که به روی کار آوردن خمینی در ایران منجر شد. به جلو راندن خمینی نیز جنبه دیگری از سیاست آمریکا، اینجا در مقابله با انقلاب ایران، بود. وقتی دولت آمریکا و متحدین اروپائی اش دیدند که شاه نمیتواند انقلاب ۵۷ را سرکوب کند و باید برود، به این نتیجه رسیدند که اپوزیسیون اسلامی شاه را بزرگ کنند و بجای برانند. انقلاب ایران خصلتی رادیکال و چپ داشت، و بخصوص از این نظر که در همسایگی شوروی رخ میداد خطر مهمی برای منافع



## با پیوستن همه کشورها به نظام سرمایه داری دیگر دفاع جهانی از مدرنیسم و مدنیت و سکولاریسم و غیره برای بورژوازی غرب و ضرورت و کاربرد خودش را از دست داد. نه تنها این امر دیگر ضرورتی نداشت و "به صرفه" نبود بلکه بر عکس به امری خطرناک برای سلطه سیاسی بورژوازی بدل شده بود.

دنیا میدانست که سرمایه داری هنوز بر بسیاری از کشورهای آسیایی و آفریقایی و حتی اروپای شرقی مسلط نشده بود. هنوز بخش اعظم کشورهای دنیا در دوره نظامهای فئودالی و نیمه فئودالی به سر میبردند.

سرمایه داری غرب به منظور آماده ساختن شرایط این کشورها برای صدور کالا و سرمایه لازم میدید که منادی و اشاعه دهنده مدنیت و مدرنیسم در نقطه مقابل نظامهای بسته فئودالی باشد. برای صدور سرمایه ابتدا باید فرهنگ و ارزشها و مناسبات اجتماعی دستاورد انقلابات ضد فئودالی در غرب صادر میشد.

این شرایط با سلطه کامل سرمایه بر همه کشورها کاملاً تغییر کرد. با پیوستن همه کشورها به نظام سرمایه داری دیگر دفاع جهانی از مدرنیسم و مدنیت و سکولاریسم و غیره برای بورژوازی غرب و ضرورت و کاربرد خودش را از دست داد. نه تنها این امر دیگر ضرورتی نداشت و "به صرفه" نبود بلکه بر عکس به امری خطرناک برای سلطه سیاسی بورژوازی بدل شده بود.

در یک سطح حتی در خود کشورهای غربی هم این روند برعکس شده بود. بعد از انقلاب کبیر و سلطه کامل طبقه سرمایه

و بویژه از دو قرن گذشته به این سو، غرب پرچمدار ارزشهای سکولار، جامعه مدنی، مدرنیته و ارزشهای جهانشمول بوده است. چند دهه است که این روند معکوس شده است. از نظر سیاسی و اجتماعی سکولاریسم بستر اصلی جامعه نیست.

در اپوزیسیون است. بجای یونیورسالیسم نسبیت فرهنگی قرار گرفته است. بجای دفاع از ارزشهای سکولار و مدنیت، قوم گرایی و مذهب را تقویت میکنند. پس از حمله به عراق و سقوط صدام دولتی روی کار میاورند که رئیس جمهوری آن کرد، نخست وزیر شیعه و رئیس مجلس باید سنی باشد. از نظر اقتصاد سیاسی ریشه های این مساله چیست؟

**حمید تقوایی:** بله این وضعیت در یک سطح پایه ای با توجه به شرایط امروز سرمایه داری جهانی قابل توضیح است. به نظر من ریشه مساله اینست که دوره ای که بورژوازی غربی پرچمدار ارزشهای نظیر مدنیت و مدرنیسم و سکولاریسم و جامعه مدنی بود مدتهاست سپری شده است. از نظر اقتصادی این دوره در واقع با سلطه کامل سرمایه داری بعنوان نظام تولیدی در همه

کشورها به پایان میرسد. در دوره ای بورژوازی مدعی پیشرو بودن و جهانشمول بودن فرهنگ و ارزشهای غربی بود و تمدن و مدنیت جوامع صنعتی غرب را الگو و مدلی برای هم

اعمال قدرت خودشان به دار و دسته های اسلامی مختلف متوسل میشدند. و هنوز هم به همین سیاست ادامه میدهند.

این شرایط در واقع هم ناشی از استراتژی میلیتاریستی و نظم نوین آمریکا بود و هم نشانه شکست و نافرجامی آن. اواما عملاً این شکست را همانطور که اشاره کردید با تز "رهبری از صندلی عقب" و آمادگی برای تعامل با نیروهای اسلامی اعلام کرد. و به این ترتیب کل پارادایم جنگ تمدنها و مقابله دموکراسی غرب با تروریسم اسلامی و در هم کوبیدن محور شر و غیره بپایان رسید و جای خود را به تعامل و تفاهم و ماماشات با نیروهای داد که قرار بود با در هم شکستنشان نظم نوین جهانی را سازمان بدهند. این جهتگیری به شکل صریح تر و واضح تری در دوره ترامپ با شعار اول آمریکا، پشت کردن به معاهده ها و پیمانهای بین المللی هیات حاکمه آمریکا و بزرگ سؤال بردن موجودیت ناتو ادامه یافت. بایدن هم همین عقب نشینی از سیاست قدرت نمائی نظامی را، منتهی با زبان و رتوریک متفاوت و بسته بندی دیگری، دنبال میکنند.

**خلیل کیوان:** اجازه دهید نگاهی داشته باشیم به دلایل پایه ای و تاریخی ای که این نوع سیاست ماماشات با جریانات اسلامی را در دستور آمریکا و دولتهای غربی قرار داده است. از قرن پانزدهم، از دوره رنسانس،

پایان بوشیسم، نزدیک به دو دهه کوبیدن بر طبل جنگ با تروریسم اسلامی و ادعای رهبری "نظم نوین جهانی"، و آغاز دوره تعامل و ماماشات با اسلاميون بود. نافرجامی جنگ بیست ساله افغانستان ایزود تازه ای در ادامه به گل نشستن ماشین جنگی آمریکا در عراق و فراگیر شدن "بی نظمی نوین" بجای "نظم نوین جهانی" در خاورمیانه است و یک بار دیگر بر شکست استراتژی آمریکا در جهان پس از جنگ سرد تاکید میکند. اواما و ترامپ هر یک با زبان و روش ویژه خود بیانگر این نافرجامی بودند.

امروز ترک فصاحت بار افغانستان، فصاحت بار حتی از دید و به زبان خود سیاستمداران آمریکا، میخ آخر بر تابوت استراتژی قدرتمائی پسا جنگ سردی آمریکا است.

این روند همانطور که بالاتر توضیح دادم با افسار گسیختگی نیروها و دولتهای اسلامی در خاورمیانه، در شرایطی که بقدرت رسیدن دو شاخه اسلام سیاسی در افغانستان و ایران ایجاد کرده بود، آغاز شد. لشکرکشی های آمریکا نه تنها پاسخ این شرایط نبود بلکه برعکس شرایط مساعدی برای یکه تازی بیشتر این نیروها ایجاد کرد. کار بجائی رسید که با به هم ریختن نظم جهان دوقطبی در خاورمیانه، دولتهائی که در دوره قبل به کمپ آمریکا تعلق داشتند - و هنوز هم جزئی از کمپ عرب به شمار میروند - مانند ترکیه و عربستان سعودی و امارات، هر یک سیاستها و یارگیری های منطقه ای خود را مستقل از اولویت ها و سیاستهای دولت آمریکا و کمپ غرب به پیش میبردند.

با بازگشت روسیه به صحنه سیاسی جهان و مشخصاً خاورمیانه بلوک بندیهای تازه ای نیز در منطقه شکل گرفت که بیش از پیش نظم نوین جهانی مورد نظر آمریکا را در هم میریخت. همه این دولتها و بلوکها، اعم از دول روسیه و چین و ترکیه و پاکستان و عربستان و جمهوری اسلامی تا خود آمریکا و متحدینش، برای بسط نفوذ و

تصمیم جمعی آنها را. این خود نمودی از هژمونی طلبی آمریکا حتی در میان نیروهای هم پیمان خودش بود. دول اروپائی بدنال این سیاست کشیده میشدند چون کمپ غرب و ناتو تنها به این ترتیب میتوانست بعد از شوروی به خودش معنا و موضوعیت بدهد.

این استراتژی را در ادبیات حزبی استراتژی هژمونی طلبی میلیتاریستی می نامیم. به این معنی که بعد از فروپاشی شوروی رهبری آمریکا بر کمپ غرب ضرورت و علت وجودی اش را از دست داده و زیر سؤال رفته بود و آمریکا میخواست موقعیتش را با قدرت نظامی احیا و تثبیت کند.

روی کار آوردن طالبان در بار اول و سپس ساقط کردن آن هر دودر چهارچوب همین سیاست هژمونی طلبانه آمریکا قرار میگردد. اما امروز بازگرداندن طالبان نشانه نافرجامی و شکست این سیاست است که بازتاب آنرا مشخصاً در رویکرد تازه هیات حاکمه آمریکا به نیروهای اسلامی، از دوره اواما تا به امروز، مشاهده میکنیم.

**خلیل کیوان:** بله این تغییر در سیاست آمریکا از دوره اواما شروع شد. سیاست رهبری از صندلی عقب و مشت هایتان را باز کنید و دست دهیم اواما، و ادامه آن تحت عنوان "اول آمریکا" از طرف ترامپ و پشت کردن به بسیاری از سیاست ها و قراردادهای قبلی حتی در رابطه با ناتو، و اکنون اعلام اینکه آمریکا نمیخواهد در جنگ های زمینی شرکت کند و جان و منابع آمریکا را صرف کند از طرف بایدن، نشانه چه تغییراتی است؟ آیا شاهد افول قدر قدرتی آمریکا هستیم؟

**حمید تقوایی:** به نظر من قیل از هر چیز شاهد شکست استراتژی قدرت نمائی نظامی و هژمونی طلبی میلیتاریستی آمریکا هستیم. این روند مشخصاً بعد از اتمام دوره ریاست جمهوری بوش پسر آغاز شد. انتخاب اواما و نفس پیروزی او بر رقبای جمهوریخواهش نشان دهنده

”وقیحانه اعلام میکنند این نیروها فرهنگ جامعه افغانستان را نمایندگی میکنند ولی در واقع این نیروها بورژوازی پست مدرنیست را نمایندگی میکنند و نه میلیونها مردمی که هم اکنون در حال فرار از حکومت طالبان هستند و یا زنان جسوری که در هرات و کابل دست به اعتراض و مقاومت زده اند.

در هر حال پست مدرنیسم را میشود دکترین دوران انحطاط و بن بست فرهنگی و فلسفی بورژوازی جهانی نامید که با شرایط اقتصادی جهان امروز، یعنی سلطه جهانی سرمایه بر همه کشورها و لجام گسیختگی بازار آزاد و ریاضت کشی اقتصادی کاملا منطبق است.

دار، بورژوازی حاکم دوباره به مذهب متوسل شد چون بورژوازی که با فئودالها و سلطه کلیسا مقابله کرده بود حالا برای مقابله با طبقه کارگر دوباره به مذهب نیاز داشت. اکنون پرچم تغییرات اساسی را طبقه کارگر بلند کرده بود و بخصوص بعد از انقلاب اکتبر این "خطر" بیخ گوش غرب بود و بورژوازی غرب برای حفظ قدرت خود به ارتجاعی ترین نیروها و گرایشات از جمله مذهب و قومی گری و نژادپرستی و غیره متوسل میشد.

تا آنجا که به کشورهای جهان سوم مربوط میشود هم بعد از سلطه سرمایه داری همین سیر قهقرائی روی آوری به مذهب و کلا نیروهای ارتجاعی آغاز شد. دیگر نه تنها از راه رشد و توسعه و بسط مدنیت و مدرنیسم خبری نبود بلکه برعکس مقابله با آنها به گفتمان جهانی بورژوازی بدل شد. یونیورسالیسم و ارزشهای جهانشمول نفی ورد شد دقیقا به این خاطر که اشاعه ارزشهای پیشرو غربی در سطح جهانی تماما به ضرر کارکرد سرمایه داری مسلط در همه کشورها بود. آن اسلحه ای که علیه فئودالیسم بکار گرفته شده بود اکنون میتوانست بوسیله طبقه کارگر علیه سلطه خود بورژوازی بکار برود و ازینرو فلسفه و دکترینی لازم بود که دستاوردهای انقلاب کبیر را مختص غرب قلمداد کند و اعلام کند خوشبختی و بدبختی مفهومی نسبی است و هر ملتی با توجه به فرهنگ و سابقه و تاریخ و مذهب ویژه خودش ارزشها و مناسبات ویژه خودش را دارد.

به این ترتیب پارادایم و دکترین جدیدی ظهور کرد. دکترین پست مدرنیسم. پست مدرنیسم در واقع عقب نشینی از مدرنیسم و بازگشت به دوران پیشامدرنیسم است. یعنی دوره تقسیمبندی افراد بر مبنای مذهب و ملیت و قومیت و نژاد و سابقه اتنیکی و تعریف فرهنگ ها و یا "تمدن" های مختلف و حتی متضاد بر مبنای این تقسیمبندی. این فلسفه اجازه میداد که اعلام شود ارزشها

قومی مذهبی است. اینها با حمله به افغانستان طالبان را ساقط کردند اما سیاست اتکا به نیروهای اسلامی و سرهم کردن دولتهای قومی مذهبی و موزائیکی را کنار گذاشتند. دولتهائی که تشکیل دادند، لویا جرگه و کابینه های حامد کرزای و اشرف غنی، همه بر همان مبنای بقدرت راندن سران قبایل و مذاهب، دقیقا همانطور که در عراق عمل کردند، قرار داشت. آمریکا به نیروهای سکولار و مترقی که در افغانستان وجود داشتند و از دوره نفوذ شوروی شکل گرفته بودند رجوع نکرد. دولت و جامعه را قومی - مذهبی سازمان دادند. بعد از ساقط کردن طالبان هم همان استراتژی جوامع موزائیکی را در افغانستان ادامه دادند اما این حواب نداد. دقیقا به خاطر اینکه دولتهائی که سرهم کرده بودند در میان توده مردم و حتی در بوروکراسی و ارتش خودشان ذره ای پایگاه اجتماعی و اعتبار نفوذ نداشتند. یک دار و دسته مافیائی فاسد قاچاقچی تریاک و مواد مخدر با کشمکشهای داخلی بر سر نفوذ و قدرت خود بر افغانستان حاکم شدند و به همین دلیل کاملا وضعیت سیاسی در افغانستان بی ثبات

نشود؟ آیا این سرنوشت برای افغانستان محتوم بود؟ راه حلی دیگری متصور نبود؟

**حمید تقوایی:** نکته اول این است که آمریکا صرفا با طالبان سازش نکرد، بلکه مجددا آنرا ساخت. دولت آمریکا عامدانه و آگاهانه از همان دوران ریاست جمهوری اوباما سیاست احیای طالبان را در دستور گذاشت. طالبان از نظر سیاسی مرده بود. اگر دولت آمریکا اراده میکرد طالبان امروز حتی در سطح داعش و القاعده هم مطرح نبود. دولت آمریکا، و دولتهای افغانستان و پاکستان با تأیید آمریکا، حدود ۵ هزار زندانی طالبان را آزاد کردند. برایشان در دوحه دفتر دستک سیاسی درست کردند و با آنها به مذاکره در مورد تحویل قدرت پرداختند. بنابراین بر خلاف اینکه میگویند غافلگیر شدیم و انتظار نداشتیم چنین با سرعت طالبان بر گردد و شوکه شدیم و غیره، به هیات حاکمه آمریکا شوکی وارد نشد. نزدیک ده سال است همین سیاست را دنبال میکنند و شرایط فعلی محصول و نتیجه این سیاست است.

اما چرا دوباره به طالبان متوسل شدند؟ علتش همان استراتژی اتکا به نیروهای

این نیروها فرهنگ جامعه افغانستان را نمایندگی میکنند ولی در واقع این نیروها بورژوازی پست مدرنیست را نمایندگی میکنند و نه میلیونها مردمی که هم اکنون در حال فرار از حکومت طالبان هستند و یا زنان جسوری که در هرات و کابل دست به اعتراض و مقاومت زده اند.

در هر حال پست مدرنیسم را میشود دکترین دوران انحطاط و بن بست فرهنگی و فلسفی بورژوازی جهانی نامید که با شرایط اقتصادی جهان امروز، یعنی سلطه جهانی سرمایه بر همه کشورها و لجام گسیختگی بازار آزاد و ریاضت کشی اقتصادی کاملا منطبق است.

**خلیل کیوان:** القاعده در پی حمله آمریکا به عراق شکل گرفت. بدنبال حمله آمریکا به افغانستان در دو دهه قبل جریانی مخوفتر از القاعده سر بر آورد؛ داعش که مورد حمایت نه چندان آشکار قدرت های منطقه ای هم بود. اکنون صحبت از صلح با طالبان است. میگویند طالبان تغییر کرده است. آمریکا هم تغییر کرده است. آیا آمریکا و طالبان تغییر کرده است؟ چه تضمینی هست که افغانستان به محلی برای بقای جریانات اسلامی بدل

نسی هستند و بنابراین تمدن غرب الگو و مدل جوامع دیگر نیست. در این دکترین اولاً هر جامعه ای بر مبنای مذهب و قومیت و غیره تقسیم بندی میشود (صرب و کروات و مانته نگر و شیعه و سنی و غیره) و ثانیاً قوانین و فرهنگ و ارزشها و کلا خوشبختی و بدبختی هر جامعه ای ویژه خود او قلمداد میشود. این نسبی گرایی برای یک درصدهای حاکم این حسن را داشت که مصائب جوامع جهان سومی (فقر و گرسنگی و بی حقوقی و دیکتاتوری غیره) را ناشی از فرهنگهای مختلف میدانست و پایه واقعی و جهانی این مصائب یعنی نظام سرمایه داری را از زیر تیغ بدر میبرد.

همین امروز بایدن بازگرداندن طالبان بقدرت را اینطور توضیح میدهد که نمیشود دموکراسی را صادر کرد، جامعه افغانستان فرهنگ قومی مذهبی خودش را دارد و حکومتی مثل طالبان را می طلبد! علیرغم اینکه در بیست ساله اخیر تلاش کردند ملغمه ای از نیروهای قومی - مذهبی را در هیات لویا جرگه و دولتهای پوشالی نوع حامد کرزای و اشرف غنی بر مردم افغانستان حاکم کنند و موفق نشدند.

وقیحانه اعلام میکنند

و متزلزل بود. معلوم نبود عاقبتش چه خواهد شد. به همین دلیل دولت آمریکا ترجیح داد یک افغانستان تحت نفوذ طالبان ولی با ثبات و منسجم داشته باشد. حکومتی که مقتدر باشد، بساط رقابتهای درون حکومتی را جمع کند، و البته در چهارچوب سیاستهای منطقه ای آمریکا قرار بگیرد و منافع آمریکا را به خطر نیندازد. از نظر هیات حاکمه آمریکا یک حکومت با ثبات پرو آمریکائی هر اندازه هم علیه مردم جنایت بکند، بهتر از یک افغانستان به هم ریخته و بی ثبات بود.

بنابراین دولت آمریکا انتظار دارد، توقع دارد، هدفش اینست که طالبان با مشت آهنین حکومت کند. یعنی یک حکومت منسجم نوع پینوشه ای باشد. منتهی با شمشیر اسلام و شریعه.

اما آیا آمریکا به این هدف خواهد رسید؟ شما پرسیدید آیا طالبان تغییر کرده است؟ بله تغییر کرده است؛ طالبان امروز کاریکاتوری از طالبان بیست سال پیش است اما نه بخاطر سیاستهای آمریکا و غرب. آنها که تقویت و احیانش کردند. بلکه بخاطر صف مقاومت و تعرض توده مردم خواهان سکولاریسم و مدرنیسم و مدنیت در افغانستان و در عراق و در ایران و در لبنان و در کل منطقه. همان نیروئی که به دولتهای نوع لویا جرگه ای حامد کرزای و اشرف غنی اجازه نداد پا بگیرند و تثبیت بشوند، به دولت طالبان هم اجازه نخواهد داد. و این نیرو منطقه ای است.

امروز نیروهای اسلامی نه تنها در افغانستان بلکه در عراق و ایران و لبنان هم موقعیتی بسیار ضعیف تر از دو دهه قبل دارند. در بیست سال اخیر نسلی در افغانستان پا به زندگی اجتماعی و سیاسی گذاشته است که با فرهنگ مدرن امروزی دنیا مینگرد. نه بدهکار حمله به برجهای دوقلو است و نه به پوشیسم و دولتهای غربی توهمی دارد. همین نسلی که در چند سال اخیر در عراق با پرچم "نه شیعه، نه سنی، جامعه مدنی" به خیابانها آمده است و یا در لبنان به مقابله با

حسن نصرالله بلند شده. و یا جوانان غزه که حدود ده سال قبل بیانیه تند و پرشوری علیه حماس و اسرائیل و آمریکا و سازمان ملل صادر کردند. در محور این تعرض مردم ایران با شعار جمهوری اسلامی نابود باید گردد قرار دارند.

این فضا و شرایط دیگر اجازه نمیدهد طالبان همان طالبان گذشته باشد. تلاش تبلیغاتی طالبان که میخواهد از خود چهره ای معتدل تر تصویر کند ناشی از فشار اجتماعی مردم و جو عمومی ضداسلامی است. طالبان معتدل نشده، تضعیف شده است.

به همین خاطر من فکر میکنم طالبان قادر نخواهد بود این بار مثل بیست سال قبل با شمشیر اسلام به جان جامعه بیفتد. مردم اجازه نمیدهند. از همین امروز اعتراضات مردم افغانستان در آن کشور و در کشورهای غربی آغاز شده است.

از سوی دیگر آمریکا هم تغییر کرده است به این معنی که دوره قدر قدرتی نظامی اش بدون نتیجه به پایان رسیده و دیگر آن جایگاه را حتی در میان متحدینش ندارد. در حمله به افغانستان و حمله به عراق همه دول اروپائی پشت آمریکا بودند و یا در هر حال تمکین و تبعیت میکردند اما امروز موجهی از انتقادات از جانب دولتهای اروپائی علیه بایدن آغاز شده. و کمپ غرب هم به این معنی به هم ریخته است.

نتیجه ای که میگیرم اینست که بازگشت طالبان آغازگر دور جدیدی از اعتراضات و خیزشهای توده ای خواهد بود با پرچم سکولاریسم و مدنیت و مدرنیسم. این نیرو است که مهر خود را بر تحولات آتی در منطقه و در افغانستان خواهد زد.

**خلیل کیوان:** قیل از طرح سؤال آخر در تاکید صحبت شما بگویم که بر مبنای آماری که دولت آمریکا منتشر کرده جامعه مدنی افغانستان طی این دو دهه بسیار رشد کرده بویژه از نظر سواد آموزی و حضور اجتماعی زنان و غیره. علیرغم

این تغییرات دولت آمریکاتصمیم گرفت مجددا سراغ طالبان برود. نکته دیگر اینکه در زمینه سازی برای بازگرداندن طالبان یک موسسه نروژی آموزش راه و رسم مذاکره به طالبان را بعهده گرفته بود. اینها تاکید می است در جهت توضیحاتی که دادید.

اما سؤال آخرم اینست: پاسخ بشریت متمدن، جهان سکولار به این اوضاع چیست؟ بطور میتوان از این وضعیت رهایی یافت؟ سیاست و راه حل کمونیسم کارگری در این زمینه چیست؟

**حمید تقوایی:** نکته اول این است که پرچم این مبارزه در دست نیروهای چپ و کمونیست است. کمونیستها همیشه در مبارزه علیه تبعیضات طبقاتی، علیه سیستم کار مزدی و استثمار، و کلامبارزه علیه نظام سرمایه داری و برای آزادی و برابری به معنی عمیق و همه جانبه کلمه پرچمدار بوده اند. امروز پرچم سکولاریسم و مدنیت هم در دست کمونیستها است. پرچم آزادی زن نیز در دست کمونیستها است. پرچم مدرنیسم و ارزشهای جهانشمول انسانی نیز در دست کمونیستها است. این را صرفا از نظر تحلیلی و بحثی که در مورد پست مدرنیسم کردم نمیگویم. بطور مشخص شما یک حزب لیبرال و یا دمکرات حتی در کشورهای غربی هم پیدا نمیکنید که علیه اسلام سیاسی ایستاده باشد. چنین نیروئی وجود ندارد. همه جا دارند مسجد سازی میکنند و دادگاههای شریعه براه میاندازند (اگر حزب ما نبود در کانادا ده سال قبل دادگاههای شریعه را برپا کرده بودند). یک حزب لیبرال حتی به معنی دهه شصتی کلمه پیدا نمیکنید که حب نسبییت فرهنگی را قورت نداده باشد و از حقوق شهروندی همه مردم مستقل از مذهب و قومیت و ملیت دفاع کند. چنین حزبی یافت می نشود!

در گذشته مثلاً در دوره دولتهای رفاه در اروپا و دوره جنبش علیه جنگ ویتنام اینطور نبود. بالاخره احزابی بودند که از ارزشهای جهانشمول

انسانی و مدنیت و مدرنیسم دفاع میکردند. امروز نیروهای هستند که خود را دموکرات و لیبرال و حتی چپ مینامند و کنار حسن نصرالله می ایستند!

می خواهیم بگویم دوران لیبرالیسم به معنی دفاع از حقوق شهروندی از جانب بورژوازی سپری شده است. نه بخاطر اینکه مردم همه جا به آزادی و به حقوق مدنی خود رسیده اند. نه تنها نیاز به و ضرورت دفاع از مدنیت و مدرنیسم پاسخ نگرفته بلکه حتی با توجه به میداننداری نیروهای مذهبی این امر عاجل تر و مبرم تر هم شده است. بورژوازی دنیا را به عقب و به قهقرا سوق داده است. و این یعنی مبارزه برای مدنیت و مدرنیسم و سکولاریسم امر ما کمونیستها است. این خود یک جبهه مهم مبارزه برای خلع ید سیاسی و اقتصادی از بورژوازی است. نه تنها در کشورهای اسلامزده ای مثل ایران و افغانستان بلکه در همه جای دنیا. دنیا منتظر اینست. دنیا منتظر یک رنسانس سوسیالیستی است. رنسانس قرن پانزده ضد فئودالی بود و رنسانس سوسیالیستی امروز علیه کاپیتالیسمی است که به قرون وسطی بازگشته است.

در این نبرد توده مردم، افکار عمومی جهان، جهان متمدن، با ما کمونیستها است.

ما همیشه در برابر جامعه مدنی جامعه انسانی را قرار داده ایم، یعنی جامعه ای که بر اساس رفع نیازهای انسانها و نه سوداوری سازمان پیدا کند. ولی مساله اینست که امروز پرچم جامعه مدنی هم در دست ما است. جامعه مدنی یه معنی نفی جوامع موزائیکی و دولتهای نوع لویا جرگه ای و ولایت فقیهیی.

امروز دنیا، مردم جهان و افکار عمومی در همه کشورها از بازگشت طالبان شوکه شده است ولی دولتهائی که این آش را پخته اند با وقاحت مشغول توجیه این فاجعه و "رتق و فتق" امور همیشگی خود هستند. همین امروز اگر رفاندومی در آمریکا و یا هر کشور اروپائی صورت بگیرد خواهید دید که

اکثریت عظیم مردم سیاستهای دولتهایشان را محکوم میکنند و طرفدار مناسبات و دولتی سکولار و مدرن در افغانستان هستند. این به طریق اولی در مورد خود مردم افغانستان هم صادق است.

به نظر من باید نیروهای کمونیست و چپ حول یک پلاتفرم مبتنی بر سکولاریسم، مدرنیسم و مدنیت جبهه گسترده ای علیه طالبان و کلا دولتهای قومی مذهبی در افغانستان سازمان بدهند. رئوس این پلاتفرم میتواند چنین باشد: سکولاریسم و جدائی کامل مذهب از دولت و قوانین و آموزش و پرورش، برابری کامل و همه جانبه زن و مرد، دفاع از ارزشهای پیشرو و مترقی و جهانشمول انسانی و دستاوردهای علمی و فرهنگی و هنری بشریت که امروزه در غرب نمایندگی میشود، برسیمت شناسی حقوق مساوی برای همه شهروندان افغانستان مستقل از مذهب و قومیت و ملیت هر فرد، آزادی مذهب و بی مذهبی بعنوان امر خصوصی افراد، و آزادی بی قید و شرط بیان و اندیشه و اعتراض و تشکل و تحزب.

ما بعد از یازده سپتامبر اعلام کردیم که جهان متمدن، مردم آزادیخواه جهان باید در مقابل هر دو قطب تروریسم اسلامی و تروریسم بوشیستی دولت آمریکا و ناتو بمیدان بیایند. امروز این دو قطب در هیات دولت بایدن و طالبان در کنار هم قرار گرفته اند. و این بیش از پیش تاکید میکند که کلید مساله در دست مردم متمدن دنیا است. میتوان و باید این جهان متمدن را در شکل یک جبهه مدرن و سکولار و مدرن سازمان داد. به نظر من اعلام این جبهه از جانب نیروهای چپ و مترقی افغانستان به سرعت حمایت و همبستگی توده مردم و آزادیخواهان در سراسر دنیا را به خود جلب خواهد کرد. این عاجل ترین وظیفه کمونیستها در رابطه با افغانستان است.

## بیانیه شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران در دفاع از وکلای بازداشتی با تاکید بر حق دادخواهی و مجازات عاملان شرایط موجود و مطالبه واکسیناسیون فوری و سراسری

هنگامی که رهبری در دی‌ماه ۱۳۹۹ در سخنرانی خود پیرامون کرونا و واکسیناسیون، ورود واکنش‌های آمریکایی و انگلیسی را ممنوع اعلام کرد، رئیسی، به‌عنوان رئیس قوه قضائیه گفتار وی را حکیمانه خواند، روحانی رئیس‌جمهور و نمکی وزیر بهداشت نیز دستور وی را نصب‌العین قرار دادند و از فردای آن روز در مضرات واکنش‌های خارجی مقالات و سخنرانی‌های متعددی بیرون آمد.

کارشناسان صدا و سیما هم در مصاحبه‌های گوناگون در مضرات این واکنش‌ها سخن‌ها راندند.

همان‌زمان تشکل‌های صنفی عضو شورای هماهنگی نسبت به این رویکرد غیرعلمی واکنش نشان دادند و خواستار تأمین واکنش معتبر و فوری شدند، اما مجریان بدون توجه به مطالبات مردم با وعده دروغین تولید گسترده و سریع واکنش داخلی به سیاست‌های خود ادامه دادند.

این‌گونه شد، که امروز ایران رتبه ۱۴۸ واکسیناسیون جهان را دارد و تاکنون ۱۰۶۴۸۲ نفر (صد و شش هزار و چهارصد و هشتاد و دو) طبق آمار رسمی جان داده‌اند و بنا بر گفته مسئولان آمار فوتی‌ها را می‌توان تا سه برابر آمار رسمی برآورد نمود.

البته روزنامه جوان وابسته به سپاه پاسداران در گفتگو با یکی از استادان اپیدمیولوژی علوم پزشکی دانشگاه تهران میزان کشته‌ها را هفت برابر میزان رسمی اعلام کرد.

این درحالیست که با ورود واکنش‌های معتبر جهانی بسیاری از درگذشتگان می‌توانستند امروز کنار خانواده و عزیزانشان باشند.

آنان در واقع قربانی استبداد رأی و بی‌تدبیری و البته منافع مافیایی کسانی هستند که از کنار تولید واکنش داخلی و ورود داروهای گران‌قیمت سودهای کلان به جیب می‌زنند.

همچنین در سایه خصوصی‌سازی و پولی‌سازی خدمات درمان و سلامت، جریانات صاحب نفوذ در قدرت و مافیای دارو، بیشترین سود را در این میان برده‌اند و هزینه میلیونی درمان بر دوش خانواده‌ها افتاده است. واکنش خارجی خریداری نشد تا سود واکسیناسیون در جیب نهادهای حکومتی برود. و اشک و آه و اندوه نصیب مردم شود.

هر قربانی کرونا در اصل جان‌عزیزی است که با از دست رفتنش، خانواده‌هایی را عزادار می‌کند. به‌راستی این سبک‌برخورد با بیماری اگر قتل‌عام مردم نام ندارد، پس چیست؟ و مسئول این کشتار چه کسانی هستند؟

اما در تاریخ ۲۳ مرداد ۱۴۰۰ جمعی از وکلای حقوق بشری و فعالان مدنی گرد هم آمدند تا نسبت به این قتل‌عام دادخواهی کنند و نسبت به عاملان وضعیت موجود طرح شکایت کنند اما قوه قضائیه و نهادهای امنیتی با مشت آهنین با آنان برخورد کردند و هم‌اینک آقایان مصطفی نبلی، آرش کیخسروی، محمدرضا فقیهی، مهدی محمودیان و خانم مریم افرراز در بازداشت به سر می‌برند آن‌هم صرفاً به اتهام قصد ثبت دادخواهی و شکایت که طبیعی‌ترین حقوق شهروندی است که نیاز به ماده قانونی ندارد.

اگر در این باره به قانون اساسی کشور استناد کنیم، اصل ۳۴ قانون اساسی دادخواهی را حق مسلم هر فرد دانسته و صراحت دارد، که هیچکس را نمی‌توان از مراجعه به چنین دادگاهی منع کرد.

همچنین اصل ۱۰۷ قانون اساسی بدون استثناء بر پاسخگو بودن حاکمان تاکید دارد.

در واقع برخورد با وکلا نشان‌دهنده بی‌اعتباری قوانین نظام جمهوری اسلامی، نزد حاکمان و مجریان آن می‌باشد.

پاسخگو کردن تمام مقامات، خواسته اکثریت مردم ایران از جمله نهادهای مدنی، صنفی و شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران است. در همین راستا شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران بازداشت کسانی که قصد ثبت شکایت علیه آمران و بنیان‌کشتار کرونایی مردم را داشته‌اند، محکوم می‌کند و اعلام می‌کنیم:

دادخواهی وکلا، دادخواهی اکثریت مردم ایران است. ما خواستار آزادی بدون قید و شرط همه آنها هستیم و از زحمات وکلای شریف به‌خصوص آقای مصطفی نبلی، که وکیل افتخاری معلمان است، تشکر و قدردانی می‌نماییم و تاکید می‌کنیم عاملان و تصمیم‌گیرانی که شرایط امروز را رقم زده‌اند در هر جایگاهی که هستند، باید پاسخگو باشند و در صورت تخلف مجازات شوند.

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران

۸ شهریور ۱۴۰۰

## زنان علیه طالبان!

همه مردم جهان به خوبی بر این امر واقف اند که با سپردن قدرت مجدد به نیروی بغایت ارتجاعی و ضد زن در افغانستان، میلیونها زن، اولین قربانیان این جنایتکاران از گور برخاسته هستند. بنابراین تعدادی از فعالین دفاع از حقوق زنان که نگران امنیت و حق زندگی کردن و حرمت انسانی زنان در افغانستان هستند خود را موظف دانسته تا برای مقابله با این جریان ارتجاعی ایستاده و مبارزه زنان افغانستان علیه طالبان را تقویت کنند. به همین مناسبت روز جمعه ۲۷ اگوست کنفرانسی آنلاینی بنام "زنان علیه طالبان" با شرکت مینا احدی، ناجیه افشاری فعال حقوق زنان از سازمان "کوراژ و کویفا" در آلمان، سورا سرافیل، فعال حقوق زنان، شیرین شمس، مسئول نهاد "انقلاب زنانه"، شکیبیا بابوری، فعال حقوق زنان از "کالیما نیوز"، و توکنم جهانگیری، فعال حقوق زنان برگزار شد. همچنین روز دوشنبه ۳۰ اگوست کنفرانس مطبوعاتی با شرکت تعداد دیگری از فعالین حقوق زنان منجمله مینا احدی و شلمه سرابی برگزار شد. گزارش مختصری از این کنفرانس را اینجا از سایت رادیو دویچه وله آلمان منعکس می کنیم.



### درخواست فعالان حقوق زنان: حکومت طالبان را به رسمیت نشناسید!

روز دوشنبه ۳۰ اوت در کنفرانس مطبوعاتی "جامعه بین‌المللی حقوق بشر" IGFM که به صورت دیجیتال برگزار شد، مینا احدی رییس کمیته بین‌المللی علیه سنگسار از کشورهای غربی خواست تا حکومت طالبان در افغانستان را به رسمیت نشناسند.

این فعال سیاسی که در ایران متولد شده، طالبان را یک "سازمان تروریستی" دانست که قصد دارد افغانستان را به یک امارت اسلامی بر پایه قوانین شریعت تبدیل کند.

او با مقایسه ایران و افغانستان گفت: «ایران از ۴۲ سال پیش تبدیل به حکومتی الهی شده است که در آن قوانین شریعت اجرا می‌شود. این به خصوص برای زنان به معنای یک عذاب بزرگ است. نقض حقوق بشر و اعدام به یک روال روزانه تبدیل شده است.»

شلمه سرابی فعال حقوق بشر افغان که در دوسلدورف زندگی می‌کند در این باره گفت: «ما زنان اولین قربانیان اسلام‌گرایی هستیم به همین دلیل افکار عمومی دنیا باید صدای ما را بشنود.»

او طالبان را "یک سازمان تروریستی ضد زن با قوانین بربریت" توصیف کرد که نباید از سوی اتحادیه اروپا به عنوان "حکومتی عادی" پذیرفته شود.

سرابی در توصیف قوانین شریعت گفت: «شریعت یعنی سنگسار، قطع دست، اعدام و دار زدن. عادی‌سازی شریعت، جنایت علیه بشریت است.»

او با اشاره به این که دنیا در حال حاضر یک دهکده جهانی است هشدار داد که اگر امروز جلوی طالبان گرفته نشود "جهاد اسلامی دیر یا زود همه ما را خواهد سوزاند".

حوروش پورکیان، اقتصاددان ایرانی نیز در این کنفرانس مطبوعاتی گفت: «حقوق بشر جهانی است بنابراین تمام دنیا باید با مردم افغانستان متحد شود. در آن کشور حدود سه میلیون زن و ۱۰ میلیون مرد با تحصیلات اکثراً بالای آکادمیک وجود دارند. بنابراین افغانستان دارای یک نیروی بالقوه بزرگ است. ما نباید این کشور را به طالبان تحویل دهیم. گفتگو با تروریست‌ها اشتباه است.»

مارتین لسنستین: سخنگوی جامعه بین‌المللی حقوق بشر نیز در این کنفرانس تأکید کرد که "زنان ده‌ها سال است که در ایران شهروند درجه دو هستند و این موضوع حالا افغانستان را نیز تهدید می‌کند".

درخواست فعالان حقوق زنان: حکومت طالبان را به رسمیت نشناسید!  
فعالان زن ایرانی و افغان ساکن آلمان از این کشور و نیز اتحادیه اروپا درخواست کرده‌اند که حکومت طالبان در افغانستان را به رسمیت نشناسند. جامعه بین‌المللی حقوق بشر برگزارکننده کنفرانسی در این باره بوده است.

## از مدیای اجتماعی حزب

فیسبوک حزب: [www.facebook.com/wpiran](http://www.facebook.com/wpiran) اینستگرام: [www.instagram.com/wpi91](http://www.instagram.com/wpi91) تلگرام: [telegram.me/wpi\\_hkiki](https://t.me/wpi_hkiki) شماره اپ و تلفن تماس: ۰۰۴۶۷۰۰۴۴۷۴۲۵

## عفو بین الملل خواهان آزادی وکلای شاکي از سوء مدیریت کرونا شد

که آن‌ها «در حال برگزاری جلسه‌ای به منظور شکایت از برخی مسئولان در موضوع کرونا» بازداشت شده‌اند.

پیش از ۵۰ وکیل دادگستری ۲۷ مرداد با انتشار نامه‌ای خطاب به غلامحسین محسنی اژه‌ای، رئیس قوه قضائیه خواستار آزادی این افراد شده و خواستند که ضابطین و عوامل قضایی «بازداشت خودسرانه» وکلا و «کسانی که از قدرت، علیه منافع عمومی سوءاستفاده کرده‌اند» به مردم معرفی شوند.

در پی تداوم بازداشت یک فعال مدنی و چند وکیل که قصد شکایت از سوء مدیریت کرونا در ایران را داشتند، عفو بین الملل خواستار آزادی فوری آنها شد.

عفو بین الملل روز شنبه، ششم شهریور، در یک پیام توییتی بازداشت این افراد را «خودسرانه» خوانده و از مردم خواست که با باز نشر این پیام از علی خامنه‌ای آزادی فوری این افراد را بخواهند.

مهدی محمودیان، مصطفی نیلی، آرش کیخسروی، محمدرضا فقیهی و مریم فرا افزاز از ۲۳ مرداد در بازداشت به سر می‌برند. افراد نزدیک به این فعالان مدنی و وکلای دادگستری پیشتر گفته بودند



طبق گزارش تیم تحقیقات کانادا بالاترین مقامات حکومت جمهوری اسلامی در این جنایت دست داشته‌اند و شایسته‌ی مجازاتند. حکومتی که در این بیست ماه جز دروغ و فریب، توضیح دیگری درباره‌ی جنایتش ارائه نداده است و حقیقت، قربانیان بزرگ این فریبکاری و این دادگاه نمایشی ست. به کار بردن کلماتی چون «قتل غیر عمد» و «اهمال» خود گواه است درحالی که تمام شواهد بر قتل عمد عزیزان ما صحه می‌گذارد.

واضح بود و اکنون از گذشته واضح‌تر است منظور جمهوری اسلامی از برگزاری دادگاه شفاف برای قاتلین عزیزان ما چیست. منتظریم تا دولت‌های کانادا، اوکراین، بریتانیا و سوئد به این ابلاغیه و به این روند دادرسی واکنش لازم را نشان دهند. ما معتقدیم یک دادگاه بی‌طرف بین‌المللی تنها جایی است که صلاحیت رسیدگی به این کشتار دسته‌جمعی را داراست.

#دادخواهی

(اپراتور)، ستوان یکم پاسدار محمد مجید اسلام دوست، سروان پاسدار سجاد محمدی، سرگرد پاسدار حامد میهوت، سرگرد آجا سیدمحمدجواد احمدی، سرهنگ آجا ستاد مصطفی فراتی، سرتیپ دوم پاسدار ابراهیم صفایی کیا و سرتیپ پاسدار علی اکبر صیدون.

همان‌طور که شاهدید قوه‌ی قضائیه‌ی جمهوری اسلامی که تحت فرمان رهبر این حکومت فعالیت می‌کند، مقصرین و عاملین اصلی را از جمله شورای عالی امنیت ملی به جرم باز گذاشتن آسمان و استفاده از افراد بی‌گناه به عنوان سپر انسانی، سپاه پاسداران و مقامات عالی‌رتبه‌ی آن به جرم شلیک دست کم دو موشک به سوی هوایمای مسافربری، مقامات دولتی به جرم همدستی در پنهان کردن جنایت و علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی که فرماندهی کل قوای نظامی ست، از دم تبرئه کرده و تقصیر فقط به گردن چند افسر دون پایه افتاده است.

بعد از آن که ۶۰۰ روز از کشتار دسته‌جمعی PS752 می‌گذرد، ابلاغیه‌ای از سوی دادسرای نظامی تهران صادر و در اختیار خانواده‌های شاکي در ایران قرار داده شده است.

طبق این ابلاغیه برای دولت جمهوری اسلامی ایران، شورای عالی امنیت ملی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، شبکه‌ی یکپارچه‌ی پدافند، سیستم پدافند غیرعامل، نیروی هوافضای سپاه، سازمان هوایمایی کشوری، حسین سلامی (فرماندهی کل سپاه)، امیرعلی حاجی‌زاده (فرماندهی هوافضا) و علی‌عابدزاده (رئیس وقت سازمان هوایمایی) قرار منع تعقیب صادر شده است و در عوض افراد زیر به جرایم مشارکت در قتل غیرعمد ۱۷۷ نفر، بی‌مبالاتی، اهمال، سهل‌انگاری و عدم رعایت نظامات خدمتی شایسته‌ی کیفر دانسته شده‌اند:

سروان پاسدار مهدی خسروی (فرماندهی تور ام وان)، ستوان یکم پاسدار میثم خیرالهی (اپراتور)، ستوان سوم پاسدار سید احمد میری

### بیانیه انجمن: قرار منع تعقیب برای جنایتکاران

۹ شهریور ۱۴۰۰



خانواده‌های قربانیان حمله عمدی موشکی سپاه به هوایمای اوکراینی تصمیم قوه قضائیه جمهوری اسلامی را «تبرئه جنایتکاران» می‌دانند

Telegram, Signal, WhatsApp 0046739681438

ادامه از مدیای اجتماعی حزب از صفحه ۱۴



دانشگاه  
سنگر  
آزادی و برابری

سپیده قلیان از ماجرای افشاگری  
فیلم تبعیدش در توئیتز میگوید:

مستحق تبعید باشم؟ لعنت  
به اوین تان...

در یگان انتظامی من را چون  
جنازه ای بر دندان کفتار،  
روی زمین کشیدند و غل  
و زنجیر کردند. بعد هم با  
دستبند و پابند در خیابان  
انقلاب چرخاندند که درس  
عبرت باشم!

اما بعد مدعی شدند که تمام  
قضایا دروغ است.

این تصاویر نه ساختگی است  
و نه دروغ. دروغ و ساختگی  
آن ساختاری است که  
روزهاست برای تکذیب این  
تصاویر و البته لاپوشانی اش  
به خط شده اند...

دانشگاه سنگر آزادی و  
برابری

آنچه که رادیو فردا از تصاویر  
و اسناد ارسالی عدالت علی  
منتشر کرده است، تنها  
ثانیه هایی است از آن دقیق و  
ساعت ها و روزهایی که در این  
سال ها تکذیب شدند و بعد  
ثابت شد که سربازان جنایت،  
دروغ گفته اند.  
برای تبعید به زندان بوشهر،  
که به حق تبعیدگاه است، مرا  
به دفتر باوعلی بردند.

رفتن را که نپذیرفتم فحاشی  
و ضرب و شتم شروع شد.  
به محوطه ی زندان فرار  
کردم و آنجا هم دورم حلقه  
زدند. افتخار می کنم که آنجا  
نماینده ی دادستان را با همان  
دمپایی بر پا زدم، چرا که گفت  
و تهدید کرد که جنازه ات به  
خوزستان می رسد.

فریاد می زدم که مگر من  
امید اسدیگی هستم که

## ویدئوهای زندان اوین و توجیهات مسخره و مضحک

گرفته است و جماعت حاکم  
مشغله شان ثروت تل انبار  
کردن است و مدام در ثروت  
انبار کردن در رقابت با هم  
هستند. رئیس چپاولگران و  
جنايتكاران یعنی خامنه ای و  
بيت مربوطه نیز شاه همه این  
نوع جنايتكاران و دزدهاست.

ما مردم سزاوار یک زندگی  
انسانی هستیم و آنرا قطعاً با  
انقلاب علیه حکومت اسلامی  
سرمایه داران دزدان و شکنجه  
گران بدست خواهیم آورد.

(از فیس بوک کاظم نیکخواه)

بزودی با سرنگونی حکومت  
کثیف اسلامی تان و مجاکمه  
شکنجه گران در دادگاههای  
مردمی خواهند داد. حکومت  
اسلامی یعنی حکومت جنایت  
و کشتار و چپاول. یک مشت  
درنده خوی چپاولگر که حتی  
اسم دزد هم حیف است  
رویشان گذاشته شود آن  
بالا جمع شده اند و هنرشان  
واقعا کشتن و شکنجه کردن  
و سرمایه و ثروت تل انبار  
کردن است. اصلاً از شکنجه  
و مرگ لذت میبرند. سرمایه  
دار از این بهتر نمیشود! فقر،  
بی آبی، آلودگی، اعتیاد و  
بیکاری سرتا پای این جامعه را

همه مردم این کشور و  
حتی مردم دنیا از "خدمات  
زندانبانان" نسبت به زندانیان  
به خوبی خبر دارند. بویژه  
جناب سعید مرتضوی عزیز  
دردانه خامنه ای و همدستانش  
احمدی مقدم و رادان خدمات  
بسیار شایانی در کهریزک به  
زندانیان کردند و جایزه اشان  
را هم از حضرات گرفتند.

به این جماعت فقط میشود  
گفت هزار بار ننگ و نفرت  
بر همه شما از بالا تا پایین!  
حتی ننگ و نفرت هم برای  
شما گرگهای درنده خو کافی  
نیست. پاسخ شما را مردم را

خود را خلاص کنند. جالب  
است که این شخص بجای  
دلجویی از خانواده زندانیان  
به دلجویی از زندانبانان یعنی  
همانها که شکنجه میکنند  
پرداخت و گفت " شغل  
زندانبانی بسیار سخت است و  
انصافاً همکاران ما در سازمان  
زندانها به صورت شبانه  
روزی در خدمت زندانبان  
هستند (بیچاره زندانبانها.  
چقدر زحمت میکشند!!)

واقعا توضیحات این موجود  
خیلی جالب و شنیدنی است.  
میگوید " این فیلمها پشت  
سر هم یخش شدن و ممکن  
است افراد فکر کنند هر روز  
شاهد این موارد هستیم، اما  
این موضوع صحیح نیست  
افرادی که این فیلمها را  
پخش کرده اند اقدام به مونتاز  
کرده اند و فیلمهای سالها  
و ماههای قبل را کنار هم  
گذاشته اند و نباید تصور شود  
که هر روز در زندانها شاهد  
اینگونه موارد هستیم!" خیر!  
نگران نباشید تصور نمیشود.  
میدانیم که شماها آدمهای  
خبیثی نیستید!

جمهوری اسلامی مانده است  
که فضای خشم و نفرت در  
مورد شکنجه در زندانها را که  
گوشه کوچکی از فیلمهایش  
توسط هرکس منتشر شد، چه  
کند. سر گیجه گرفته اند و  
هرکدام چیزی میگویند. یکی  
میگوید مونتاز است. یکی  
میگوید یکی دو مورد بیشتر  
نبوده یکی میگوید کار چند  
سرباز است و خاطیان را  
مجازات میکنیم و دیگری  
میگوید مربوط به چند سال  
است. همه اینها وحشتشان  
از مردم را بروشنی بیان  
میکند و به خشم مردم بیشتر  
دامن میزند. چهارشنبه  
هفته گذشته ششم شهریور  
سرخنگوی قوه قضائیه  
خداییان نیز به زبان آمد  
در یک کنفرانس خبری در  
مورد فیلمهای منتشر شده و  
رفتار بسیار خشن نسبت به  
زندانیان گفت " نباید تخلف  
چند سرباز وظیفه یا کارمند  
سازمان زندانها را به پای  
همه بنویسیم" از همینجا  
روشن است که میخواهند کل  
ماجرا را به گردن چند سرباز  
بندازند و با تشبیه آنها گریبان



## گزارش

## زنان افغانستان در مقابل طالبان قد علم کردند و دست به اعتراض زدند.



پنجشنبه ۱۱ شهریور ۱۴۰۰ تجمع اعتراضی زنان افغانستان در هرات

“زنان افغانستان با در دست داشتن پلاکاردها و سر دادن شعارهای “آموزگار دانا... در گرفتن حقت... توانایی توانا”

“تحصیل، کار، امنیت/حق مسلم ماست” نترسید، نترسید، ما همه با هم هستیم” انزجار خود را از امارت اسلامی اعلام کردند.

## گزارش تصویری تجمع حمایتی از مردم افغانستان در مقابل پارلمان کانادا در شهر اتاوا

روز شنبه ۲۸ اگوست صدها نفر از شهرهای تورونتو، مونتریا و اتاوا در مقابل پارلمان، در حمایت مردم در افغانستان به جنبش بین المللی “اکنون کشتار افغان ها را متوقف کنید” پیوستند. این اعتراضات در ۱۵ شهر دیگر در اروپا و آمریکا انجام گرفت.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی با شرکت در این تجمع حمایت خود را از مبارزه مردم برای دفاع از حق زندگی، حقوق زنان، کودکان، و حقوق همه انسانها علیه طالبان اعلام کرد.





ادامه گزارش ها از صفحه ۱۶

## تظاهرات گسترده در فرانکفورت و هامبورگ و دیگر شهرهای آلمان. روز شنبه ۲۸ آگوست، نه به طالبان.



### دهمین جلسه دادگاه حمید نوری در شهر استکهلم سوئد

هفته چهارم و دهمین جلسه دادگاه حمید نوری که در شهر استکهلم سوئد به جرم مشارکت در کشتار زندانیان سیاسی در تابستان ۱۳۶۷ در حال محاکمه شدن است - تجمع اعتراضی در مقابل ساختمان دادگاه در استکهلم - پنجشنبه ۲ سپتامبر ۲۰۲۱



## اطلاعیه های حزب

## حیدر قربانی در چند قدمی اعدام، به نجاتش برخیزیم!



اعدام حیدر قربانی شوند. ما همچنین مردم شهرهای کردستان و بویژه سنندج و کامیاران را فرامی خوانیم که از هر راه مناسبی که خود تشخیص می دهند به کمک خانواده نگران حیدر قربانی بشتابند و برای جلوگیری از اعدام وی وارد عمل شوند.

اعدام در جمهوری اسلامی جنایت سازمانیافته دولتی برای سرکوب کل جامعه است تا مردم دیگر به فکر اعتراض و مبارزه نیفتند و حق خودشان را نخواهند. با اعتراض متحدانه علیه اعدام و علیه حکم اعدام حیدر قربانی نشان دهیم که نه فقط مصمم هستیم جان یک انسان دیگر را نجات دهیم بلکه متحدانه به مبارزه و اعتراض خود برای به زیر کشیدن رژیم اعدام و سرکوب جمهوری اسلامی ادامه خواهیم داد.

کمیته بین المللی علیه اعدام  
۶ شهریور - ۱۳۴۰ ۲۸ اوت ۲۰۲۱

سنندج و کامیاران بوده است.

حیدر قربانی در طول مدت زندان زیر شکنجه های شدید و وحشیانه قرار داشته است و مجبور به شرکت در نمایشات اعتراف اجباری شده است. حیدر قربانی متولد سال ۱۳۵۲ است. همسر و دوفرزند وی با انتشار ویدئو هایی گفته اند که حیدر بی گناه است و باید آزاد شود و از جهانیان خواسته اند که برای نجات جان حیدر قربانی آنها را یاری کنند.

کمیته بین المللی علیه اعدام از همه نهادهای بین المللی می خواهد با ارسال نامه فوری و اعتراضی از جمهوری اسلامی بخواهند که حکم اعدام حیدر قربانی را بلافاصله متوقف کند. ما از همه مردم می خواهیم که با راه اندازی توفانهای توییتری به حکم اعدام حیدر قربانی اعتراض کنند. فراخوان ما به مردم در خارج کشور این است که با برپایی گردهمایی های اعتراضی خواهان لغو حکم

حیدر قربانی، زندانی سیاسی در خطر فوری اعدام قرار دارد. صالح نیکبخت، وکیل حیدر قربانی در روزهای اخیر با توجه به رد درخواست اعاده دادرسی در خصوص پرونده این زندانی سیاسی گفته است که "حکم قطعی شده و در آستانه اجرا است".

حیدر قربانی در مهرماه ۱۳۹۵ دستگیر شد و سپس به جرم عضویت در حزب دمکرات ایران و همکاری با این حزب و معاونت در کشتن چند عضو سپاه و بسیج و به اتهام "بغی" یعنی اقدام مسلحانه علیه جمهوری اسلامی به اعدام محکوم شد. وکیل وی در درباره اتهام "بغی" گفته است:

" شرط تحقق بزه بغی عضویت فرد در یک گروه مسلح و استفاده از سلاح در برابر جمهوری اسلامی است، اما موکل من هیچ گاه اقراری در این رابطه نداشته و تنها دلیل اثبات این اتهام ادعای اداره اطلاعات

## کارگران نیشکر هفت تپه نظارت شورایی را از هم اکنون جاری میکنند

کارگران نیشکر هفت تپه بنا بر فراخوانی که در روز قبیلش داده بودند مانع ورود مدیران بازنشسته ای که از عوامل باند مافیایی اسدیگی در شرکت هستند، شدند. کارگران نیشکر هفت تپه خواستار جمع شدن بساط کل دارو دسته اسدیگی و مدیران فاسد از این شرکت هستند.

با این تصمیمات مهم، کارگران نیشکر هفت تپه در واقع پایه های شورای واقعی خود و اعمال اراده شان با قدرت شورایی را اجرایی میکنند. تجربه نیشکر هفت تپه یک تجربه عملی درخشان در جنبش کارگری و شورایی است و میتوان آنرا در همه جا تکثیر کرد. زنده باد کارگران نیشکر هفت تپه

غیره به عنوان یک امر حیاتی و برپایی این مجامع در سطح کارگاه و ادارات بطور منظم قبل یا بعد از کار و هر گاه که کارگران تشخیص میدهند جهت تصمیم گیری های لازم،

- تعامل و همکاری کامل مدیر جدید با نظارت شورایی کارگری و نمایندگان منتخب آنان و متعهد بودن به آن،

- تعیین و ابلاغ لیست اقدامات و مطالبات بر اساس اولویت

- تشکیل ماهانه مجمع بزرگ کارگران و گزارشدهی نمایندگان جهت مطلع بودن همه از اوضاع شرکت. هر ماه یکبار مجمع بزرگ کارگران تشکیل شود و نمایندگان گزارش دهند تا همه همکاران از کل اوضاع در شرکت اطلاع کافی داشته باشند. در همین راستا روز هشتم شهریور

و انتخاب نمایندگان خود جهت رسمیت دادن به مجمع نمایندگان برای اعمال نظارت بر شرکت،

- انتخاب مدیران و سرپرستان و روسای ادارات توسط کارگران با تاکید بر اینکه دولت و مدیر جدید باید با لیستی از پیشنهادات مورد قبول کارگران روبرو شود. کارگران آماده مقابله کردن با مدیران منتخب مدیریت هستند،

- روشن کردن و مشخص کردن دامنه نظارت و کمیسیونهای نظارتی در هر بخش و اداره امور از جمله شرایط کارگاه، ایمنی محیط کار و لوازم آن،

- برپایی اجتماع و مجمع عمومی در مقابل سنگر بویژه برای تعیین چهارچوبها، مطالبات، مسائل اساسی، حفاظت، تعیین نمایندگان و

تپه که نتیجه اش میتواندست بیکاری دو هزار کارگر باشد، و جلوگیری از بدتر شدن شرایط کاری، و ایستادگی در مقابل سرکوبها و پرونده سازیهها، و غیره، اعلام کردند که در این دوره طولانی از جدال و مبارزه این تشکل مستقل کارگران هفت تپه در اشکال مختلف است که کارگران را نمایندگی کرده است و نه شورای اسلامی و یا نهادهای کارفرمایی. در این بیانیه کارگران نیشکر هفت تپه از موضع یک نیروی پیروزمند، بر ادامه اعتراضاتشان تا اجرایی کردن نظارت شورایی خود پافشاری کرده و گامهای بعدی و تصمیمات خود را به این شکل اعلام کردند:

- حفاظت از شرکت و جلوگیری از نقل و انتقال هر نوع اموال منقول و غیر منقول آن،

- حفظ اتحاد و همبستگی

مبارزات و اعتراضات متحدانه کارگران نیشکر هفت تپه برای پیگیری مطالباتشان همچنان ادامه دارد. بدنبال موفقیت در خلع ید از باند مافیایی اسدیگی این کارگران همچنان که مدام تاکید کرده اند بار دیگر اعلام کردند که هیچ کارفرمای خصوصی دیگری مورد قبول آنها نیست و اداره امور تولید و مدیریت باید با نظارت کارگران انجام گیرد. اکنون جمعی از کارگران نیشکر هفت تپه از بخش های مختلف طی بیانیه ای اعلام کرده و مینویسند که اجازه نمیدهند شرکت در انتظار مدیر جدید بنشینند و بلا تکلیف بمانند. و از هم اکنون نظارت شورایی را جاری میکنند. این کارگران در بیانیه خود ضمن اشاره به پیروزی های بزرگ تا کنونی خود از جمله خلع ید از اسدیگی، جلوگیری از نابودی شرکت نیشکر هفت

ادامه اطلاعیه های حزب از صفحه ۱۸

## وعده شروع واکسیناسیون کارگران هفت تپه در هفته آینده - جدال در نیشکر هفت تپه ادامه دارد

واکسیناسیون رایگان همگانی یک خواست فوری کارگران نیشکر هفت تپه است. این را کارگران در تجمعات اعتراضی خود بارها تاکید کرده و بر لیست مطالباتشان اضافه کرده اند. کارگران نیشکر هفت تپه همکارشان زنده یاد شفیق چنانی را که به خاطر ابتلا به کرونا جان باخت فراموش نمیکنند و هم اکنون بسیاری از کارگران و خانواده هایشان درگیر این بیماری هستند.

یکی از کارگران مبتلا به کرونا ابراهیم عباسی از نمایندگان کارگران نیشکر هفت تپه است که خوشبختانه بهبود یافت و امروز کارگران غیر نیشکری برای دیدار او به قسمت تجهیزات رفتند. امروز خواست کارگران نیشکر هفت تپه واکسیناسیون فوری و بدون تعلل خود و خانواده هایشان است.

بنابر خبرها با پیگیری و فشار اعتراضات آنان اداره بهداشت و فرمانداری، وعده داده اند که واکسیناسیون کارگران هفت تپه را از اول هفته آینده شروع کنند. در برابر این وعده دادنها کارگران نیشکر هفت تپه اخطار داده و میگویند که اگر واکسیناسیون از روزهای آتی شروع نشود و باز با وعده و وقت خریدن با جان کارگران بازی کنید، آنوقت با اعتراض شدیدتر ما روبرو خواهید شد. این کارگران خواستار

واکسیناسیون فوری و بدون تعلل خود و خانواده هایشان هستند. علاوه بر مطالبه واکسیناسیون رایگان، کارگران نیشکر هفت تپه پیگیر دیگر مطالبات خود هستند. این کارگران با نظارت شورایی خود متحدانه ایستاده اند و با سرپا نگاهداشتن شرکت بر اجرای فوری مطالباتشان تاکید دارند. یک خواست اعلام شده دیگر این کارگران تمدید

## تجمع کارگران اعتصابی پروژه ای نفت در ایده و پالایشگاه اصفهان

بنابر خبر منتشر شده از سوی شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت روز سه شنبه نهم شهریور بنا بر فراخوانی از قبل اعلام شده جمعی از کارگران پروژه ای نفت در ایده در هفتاد و سومین روز اعتصاب خود در راستای پیگیری مطالبات خود مقابل فرمانداری این شهرستان تجمع برگزار کردند. این کارگران قبلاً نیز با برپایی مجمع عمومی بر ادامه اعتصاب تا رسیدن به خواسته های خود - بنا بر خبر منتشر شده از سوی شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت روز سه شنبه نهم شهریور بنا بر فراخوانی از قبل اعلام شده جمعی از کارگران پروژه ای نفت در ایده در هفتاد و سومین روز اعتصاب خود در راستای پیگیری مطالبات خود مقابل فرمانداری این شهرستان تجمع برگزار کردند. این کارگران قبلاً نیز با برپایی مجمع عمومی بر ادامه اعتصاب تا رسیدن به خواسته های خود

تاکید کرده بودند. 73 روز از اعتصاب کارگران پروژه ای نفت میگذارد و یک تاکید کارگران اعتصابی اینست که تا وقتی خواسته ها پاسخ نگیرد به اعتصاب ادامه میدهند. تجربه هفشجان و برگزاری مجمع عمومی بزرگ این کارگران و انتخاب نمایندگان واقعی خود و نشست با پیمانکاران برای پیگیری مطالبات خود یک نمونه درخشان است که به همه کارگران نفت در سطح سراسری راه نشان میدهد.

کار و ۱۰ روز مرخصی سر کار بازگشته بودند. اما با توجه به اینکه کارفرما به وعده خود عمل نکرد آنها دوباره به اعتصاب برگشتند. پیمانکاران از همان روزهای آغازین اعتصاب تلاش کردند با وعده و وعید کارگران اعتصابی را سر کار برگردانند و اعتصاب را بشکنند اما کارگران هوشیارانه در برابر این توطئه گری ها ایستاده و هر جا که وعده ها عملی نشده دوباره به اعتصاب برگشته اند. ضمن اینکه در

روز سه شنبه ۹ شهریور کارگران پروژه ای شاغل در شرکت ODCC پالایشگاه اصفهان در اعتراض به عدم افزایش دستمزدها مجدداً دست به اعتصاب زدند. بنا بر خبر منتشر شده از سوی شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت این کارگران از جمله کارگران اعتصابی هستند که بعد از وعده های پیمانکار مبنی بر افزایش دستمزدها و ۲۰ روز

## فضای اعتصاب در میان رانندگان فاز ۱۹، تجمع کارگران شرکت حفاری و خبرهایی دیگری از نفت

بنابر خبرهای منتشر شده در کانال تلگرامی "شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت" راننده های فاز ۱۹ هم اکنون سه ماه است که مزد نگرفته اند و زمزمه های به راه انداختن اعتصاب در میان آنان بالاست.

در گزارش خبری این شورا در مورد آخرین خبرهای مربوط به اعتصاب سراسری این کارگران چنین آمده است: "خبرهای دیگر حاکی از بازگشت بخش

هایی از کارگران به کار با توافقاتی است که با پیمانکاران انجام میدهند. از جمله طبق خبر شمار زیادی از جوشکاران فاز ۱۳ سر کار بازگشته اند که تاکید ما اینست که مثل همکارانمان در هفشجان و ایده این کارگران هر چه سریعتر نمایندگان خود را انتخاب کنند و بر خواسته هایی که داشته اند بویژه وضع کمپ ها کیفیت غذا تاکید کنند. در برخی مجتمع ها نیز کارفرمایان زیر فشار

گرفته اند و زمزمه های به راه انداختن اعتصاب در میان آنان بالاست.

در گزارش خبری این شورا در مورد آخرین خبرهای مربوط به

گرفته بر سر میزان دستمزدها که توسط کارگرانی که سر کار بازگشته اند با پیمانکاران و اینکه دستمزد هیچ کارگری نباید کمتر از ۱۲ میلیون باشد اولین تاکید ماست. بعلاوه ۲۰ روز کار و ۱۰ روز مرخصی یک مطالبه فوری ماست و تا کنون بسیاری از پیمانکاران حاضر به قبول آن شده اند.

از خبرهای دیگر منتشر شده تجمع کارگران شرکت ملی

حفاری با خواست اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، همسان سازی حقوق و حذف پیمانکاران است. این تجمع در روز ششم شهریور ماه مقابل ساختمان مدیریت ملی حفاری در اهواز برگزار شده است. کارگران اعتصابی نفت بر ادامه اعتصاب تا رسیدن به مطالبات خود تاکید دارند.

## فضای اعتصاب در میان رانندگان فاز ۱۹، تجمع کارگران شرکت حفاری و خبرهایی دیگری از نفت

بنابر خبرهای منتشر شده در کانال تلگرامی "شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت" راننده های فاز ۱۹ هم اکنون سه ماه است که مزد

گرفته اند و زمزمه های به راه انداختن اعتصاب در میان آنان بالاست.

در گزارش خبری این شورا در مورد آخرین خبرهای مربوط به

انجام میدهند. از جمله طبق خبر شمار زیادی از جوشکاران فاز ۱۳ سر کار بازگشته اند که تاکید ما اینست که مثل همکارانمان در هفشجان و ایده

اعتصاب سراسری این کارگران چنین آمده است: "خبرهای دیگر حاکی از بازگشت بخش هایی از کارگران به کار با توافقاتی است که با پیمانکاران

ادامه اطلاعیه های حزب از صفحه ۱۹

پیمانکاران است. این تجمع در روز ششم شهریور ماه مقابل ساختمان مدیریت ملی حفاری در اهواز برگزار شده است. کارگران اعتصابی نفت بر ادامه اعتصاب تارسیدن به مطالبات خود تاکید دارند.

بسیاری از پیمانکاران حاضر به قبول آن شده اند.

از خبرهای دیگر منتشر شده تجمع کارگران شرکت ملی حفاری با خواست اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، همسان سازی حقوق و حذف

گرفته بر سر میزان دستمزدها که توسط کارگرانی که سر کار بازگشته اند با پیمانکاران و اینکه دستمزد هیچ کارگری نباید کمتر از ۱۲ میلیون باشد اولین تاکید ماست. بعلاوه ۲۰ روز کار و ۱۰ روز مرخصی یک مطالبه فوری ماست و تا کنون

خبر میرسد که بخشی از همکاران پروژه ای اعتصابی ما در فاز ۱۴ سر کار برگشته اند. اما جوشکاران هنوز در اعتصاب هستند. نقطه اتحاد ما کارگران اعتصابی خواستهای مشترک ماست. مینا قرار دادن بالاترین سطح توافقات صورت

بویژه وضع کمپ ها کیفیت غذا تاکید کنند. در برخی مجتمع ها نیز کارفرمایان زیر فشار اعتصاب ما به دوبرابر دستمزد و بیست روز کار و ده روز مرخصی تن داده اند. این را باید مبنای توافقات خود در سطح سراسری قرار دهیم. همینطور

## تجمع کارگران شهرداری میاندوآب و امیدیه و اعتصاب کارگران ماشین سازی اراک

روز ۶ شهریور کارگران گروه ماشین مونتاز در ماشین سازی اراک در اعتراض به هیئت مدیره شرکت که در تقویم کاری شهریور روزهای تعطیل را روز کاری اعلام کرده است، با اعتصاب خود شرکت را به تعطیلی کشاندند.

در میان کارگران شهرداری گسترده است و خواستهای مشترک آنها بستر ایجاد تشکل سراسری میان کارگران و رفتن بسوی اعتصابات سراسری را فراهم کرده است.

تجمع زدند. تعویق پرداخت دستمزدها، سطح نازل حقوقها و قراردادهای موقت کاری از معضلات تمامی کارگران شهرداری است و اعتراضات بخاطر این مشکلات

دست به تجمع می زدند. روز یکشنبه هفتم شهریور کارگران شهرداری امیدیه برای دومین روز در اعتراض به تعویق پرداخت دستمزدهایشان مقابل فرمانداری این شهر دست به

روز یکشنبه ۷ شهریور جمعی از کارگران شهرداری میاندوآب در اعتراض به عدم پرداخت ۶ ماه مزد و حق بیمه تجمع کردند. این چندمین بار است که کارگران شهرداری میاندوآب برای دریافت حقوق معوقه خود

## تجمع اعتراضی معلمان در مقابل دیوان عدالت اداری کشور - معلم داد بزن، حقت را فریاد بزن

معلمان همچنان پیشتاز جلو آوردن خواستهای سراسری ای چون درمان و تحصیل رایگان برای همه در سطح جامعه بوده اند. از خواستهها و مبارزات معلمان باید وسیعا حمایت و پشتیبانی کرد.

دستمزدها در سطح جامعه بوده اند. معلمان با این خواست در عین حال با شعارهایی چون حقوقهای نجومی، فلاکت عمومی، یک اختلاس کم بشه مشکل ما حل میشه همواره صدای اعتراض خود را علیه تبعیض و نابرابری اعلام داشته

حقوقشان کسر شده است و این موضوع باعث خشم و اعتراض وسیع آنان شد. معلمان یک بخش معترض جامعه هستند که با خواست افزایش حقوقها به بالای خط فقر ۱۲ میلیونی حکومت اعتراض کرده و یک نیروی مهم مبارزه برای افزایش

کردند. در این تجمع اعتراضی معلمان با خشم بسیار شعار میدادند: "معلم داد بزن، حقتو فریاد بزن". اشاره کنیم که در پی واریز حقوق مردادماه معلمان، آنها متوجه شدند که مبلغ ۲۰۰ هزار تومان از

روز شنبه ۶ شهریور جمع بزرگی از معلمان در اعتراض به کسر مبلغ ۲۰۰ هزار تومان از حقوق مردادماه خود و عدم پاسخگویی به خواستههایی که بارها بخاطر آن تجمع و اعتراض داشته اند، مقابل ساختمان "دیوان عدالت اداری" حکومت در تهران تجمع

## اعتراضات کارگران شهرداری امیدیه و خرمشهر و احضار محبوبه فرحزادی به دادسرای اوین

پرونده های امنیتی تشکیل شده برای آنان است. باید وسیعا از این کارزارها حمایت و پشتیبانی کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران ۱۰ شهریور ۱۴۰۰، ۱ سپتامبر ۲۰۲۱

محبوبه فرحزادی را محکوم میکند. باید پرونده امنیتی تشکیل شده برای او و تمامی فعالین سیاسی بسته شود. به احضار محبوبه فرحزادی باید وسیعا اعتراض کرد. یک کارزار مهم معلمان و بازنشستگان اعتراض علیه امنیتی کردن مبارزات با خواست آزادی فوری همکاران بازداشتی و تمامی زندانیان سیاسی و بسته شدن

بازنشسته بدلیل شرکت در تجمعات اعتراضی بازنشستگان علیه فقر، تبعیض و بی تامینی ها از سوی شعبه ۷ بازپرسی دادسرای شهید مقدس اوین احضار شد. او باید در روز ۱۳ شهریور به این شعبه مراجعه کند. در همین رابطه قبلا نیز محبوبه فرحزادی به دادگاه احضار و تحت بازجویی قرار گرفته بود. حزب کمونیست کارگری احضار

معوقه خود مقابل فرمانداری تجمع کردند. پرداخت ب موقع دستمزدها و دستمزدهای معوقه، افزایش سطح دستمزدها، لغو قراردادهای موقت، و دائمی شدن قراردادهای واکسیناسیون همگانی از جمله خواستهها و مطالبات کارگران شهرداری در سطح سراسری است.

محبوبه فرحزادی از معلمان

روز چهارشنبه دهم شهریور کارگران شهرداری امیدیه برای پنجمین روز در اعتراض به تعویق پرداخت ۴ ماه دستمزد و حق بیمه خود دست به راهپیمایی زده و مقابل استانداری خوزستان در اهواز تجمع کردند.

روز ۱۰ شهریور کارگران شهرداری خرمشهر در اعتراض به عدم دریافت ۶ ماه حقوق

